

بیانیه مشترک

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چگونه بر دشواری های تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندمان چیره شویم؟

انقلاب شکوهمند ضدسلطنتی، ضداستبدادی، ضدامپریالیستی و مردمی
میهن عزیز ما، که بعد از بیست و یک سال از بزرگترین رویدادهای سیاسی سال های اخیر
جهان ارزیابی می شود؛ نقطه عطفی بسیار حساس و سرنوشت سازی را می گذراند. این
حساس بودن از آن حا ناسی می شود که انقلاب بزرگ مادر لحظه کنونی، درگیر
یکی از سخت ترین نبردهای دوران موجودیت خود با دشمنان انقلاب است.
وزگی برجسته لحظه کنونی انقلاب ما در این است که اگر یکسو با درهم
شکسته شدن نوطه سازندگان و تسلیم طلبان لبرال و کفر اهل جبر و سب
بزرگی از سر راه برای زرقش انقلاب در دو سمت گیری اساسی اش یعنی سمت گیری
ضد امپریالیستی و سمت گیری مردمی برداشته شده است و از سوی دیگر مقاومت عمودانه و
خاست کارانه طیف نیروهای دشمن انقلاب برای جلوگیری از این گرایش شدت میابد.
بدون تردید ره نمود امام خمینی، رهبران انقلاب و سیاستگذار جمهوری اسلامی در
ساره لروم اتحاد تصمیمات همه جانبه بود محرومان و تفویض اختیارات مهمی در این
زمینه مجلس شورای اسلامی، گام تاریخی است که در جهت ایجاد شرایط ضروری برای
تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب و پیشروی بسوی تاس عدالت اجتماعی برداشته شده است.
این گام تاریخی همه نیروهای انقلابی را هم در جهت سازندگی و هم در جهت
سازره علیه همه نوطه های ضدانقلابی و سرچشمه های این نوطه ها بتوان تر ساخته
است. مقاومت نمودن و سرچشمه دشمنان انقلاب شدت میدامی کند و اراده نیرو
های عظیم انقلابی میهن ما برای درهم شکستن این مقاومت هر روز اسبتر و توان آن ها هر
روز اسبتر خواهد شد. دشواری بزرگ راه پیشرفت انقلاب شکوهمند میهن ما هنوز بسیار
است ولی توان انقلاب برای چیره شدن بر این دشواری ها به مراتب زیاد تر است.
انقلاب شکوهمند ما که با شرکت همه نیروهای ضد امپریالیستی، آزادخواه و
مردمی و با ایثار کم نظیر نوده های ده ها سلیبوسی زخم کشان شهر و روسا و به

رهبری نادریت امام خمینی، با پیروزی بزرگ تاریخی خود، ضربه بسیار دردناکی بر بیکر دشمنان سوگندخورده، خلق‌های کشورها و بیش از همه بر امپریالیسم جهانخواار آمریکا وارد ساخت. از همان دوران اوج‌گیری خود، آماج کینه‌آشتی‌ناپذیر این دشمن قرار گرفت. اکنون وضع چنین است که امپریالیسم آمریکا، در مقام سرکرده همه دشمنان انقلاب ایران، یعنی: امپریالیسم جهانی، رژیم‌های ارتجاعی منطقه و نیروهای ضدانقلاب کشورها، پس از آن که تجاوز جنایت‌بار آمریکایی- صدامی به خاک میهن ما به اهداف خود برسد و آخرین توطئه‌شان که به دست بنی‌صدر پیاده می‌شد، با ناکامی روبرو گردید، تمام امکانات خود را برای تدارک و انجام توطئه تازه‌ای در جهت براندازی قهرآمیز نظام جمهوری اسلامی ایران به کار گرفته است.

عناصر پنجگانه این توطئه خطرناک چنین اند:

۱. جلوگیری از تثبیت حاکمیت منکی به قانون و عدالت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران، از راه تشدید تشنج در جامعه، به کمک ترویج تروریسم کور، و ایجاد کانون‌های شورش و بهره‌گیری از تجاوز نظامی عراق و جنگ تحمیل شده به میهن ما، تجاوز در مرزها و درگیر کردن کشورها در جبهه‌های دیگر؛

۲. تشدید دشواری‌های اقتصادی، از راه تشدید فشارهای اقتصادی از خارج و خرابکاری‌های اقتصادی از راه احتکار، گرانفروشی و غیره به وسیله غارتگران داخلی؛

۳. روشن کردن ودامن زدن به آتش بفاق، چنددستگی و زدو خورد میان نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی؛

۴. تشدید همه‌جانبه عوامل ناراضی‌کننده قشرهای گنجه‌ده مردم شهر و روستا؛

۵. اخلال هرچه بیشتر در مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورها و جبهه‌ها و همه نیروهای جهانی یشتیان انقلاب ایران.

دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، امیدوارند که با کامیابی در این پنج جهت، نظام جمهوری اسلامی ایران را آن‌چنان ناتوان سازند که برانداختن آن از راه ضربه‌ای از درون و یا از بیرون و یا از راه جازدن خاشی مانند سادات و یا حفیظ‌الله امین، بدون دشواری انجام پذیرد.

حرب نوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با احساس مسئولیت تاریخی خود در برابر انقلاب، بر آنند که تنها با تجهیز و اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب می‌توان این توطئه خطرناک دشمنان انقلاب را با کم‌ترین تلفات عقب گذاشت، انقلاب را در جهت رسیدن به این آماج‌ها به پیش برد و نظام جمهوری اسلامی ایران در راستای مردمی آن را، در برابر توطئه‌های آینده دشمنان انقلاب گزندناپذیر ساخت.

حرب نوده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با اعتقاد راسخ به این اصل، یعنی ضرورت تاریخی اتحاد همه نیروهای وفادار به آماج‌های انقلاب شکوهمندان، نخستین گام را برای پایه‌ریزی چنین اتحادی برمی‌دارند

و با ارائه یک تحلیل مشترک از لحظه کنونی، از دشواری‌ها و راه چیره شدن بر آن‌ها، همه نیروهای انقلابی راستین را، صرف نظر از تفاوت در عقاید مسلکی و مذهبی، به تلاش برای تحقق چنین اتحاد فراگیری از نیروهای انقلابی راستین که صریحاً مهلکی بر همه توطئه‌های دشمنان انقلاب خواهد بود، فرا می‌خوانند.

دشواری‌های انقلاب

همه هواداران راستین انقلاب و مسئولان واقع بین جمهوری اسلامی ایران در این ارزیابی متفق‌اند که انقلاب در راه تثبیت و تحکیم و گسترش خود با دشواری‌های فراوان روبروست.

بررسی کمی موکلافانه تر نشان می‌دهد که این دشواری‌ها به طور عمده دو سرچشمه دارند:

۱. توطئه همه جانبه و پیگیر حبه، متحد دشمنان انقلاب ایران در خارج و داخل کشور:

۲. کمبودها و نارسایی‌های ناشی از بی‌حرکتی‌ها، اشتباهات، سنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست، از سوی بخش مهمی از نیروهای صدراع انقلاب و مسئولان جمهوری اسلامی ایران.

— آنچه که از سرچشمه اول بیرون می‌ریزد، مجموعه اقدامات کین‌تورانه‌ای است که به وسیله طیف گسترده حبه، متحد دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و با دستگیری همه عوامل متخاصمه شده و شناخته نشده‌اش در جهان و ایران، بی‌دریغی علیه انقلاب مبهن‌ها انجام می‌گیرد. بخشی از این اقدامات قابل دیدن و محسوس است، مانند: محاصره اقتصادی از سوی آمریکا و هم‌دستانش در اروپای غربی و ژاپن، توقف دارائی‌های ایران، توطئه کودتای طیس، کودتای نوزه، حمله نظامی رژیم صدام به ایران، ایجاد آشوب و شورش ضدانقلابی در کردستان، توطئه برای منح و منحرف ساختن انقلاب به باری دست‌آموزی چون امپریالیسم‌ها، قطب‌زاده‌ها، بزدی‌ها، بی‌صدرها، سلامت‌ها و نوبی‌ها و دیگر لیبرال‌های آمریکازده حبه ملی، "تهصت آزادی"، "بحیری"‌ها و سایر گروهک‌های آمریکا ساخته، و سرانجام اجرای فتنه‌های تروریستی— بخشی به دست ساواکی‌ها و سلطت‌طلبان و حاسبتکاران حرفه‌ای و بخشی به دست گمراهان و باری خوردگان جوانی که به آلت بی‌اراده اجرای دستورهای سپهکارانه رهبران خائن خود تبدیل شده‌اند.

گروه دیگر دشواری‌های ناشی از اقدامات امپریالیسم، به آسانی قابل دیدن هستند. این دشواری‌ها از یکسو به دست ستون پنجم امپریالیسم در زمینه‌های اقتصادی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان و وابستگان به افشار متنازع‌نامه ایجاد می‌شود، و از سوی دیگر به دست ستون پنجم سیاسی امپریالیسم،

یعنی ساواکی‌ها و سایر فاعلهای آمریکا که خود را در سبادهای انقلابی و مقامات مسئول کشوری و لشگری و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران در تقاب "مسلمان معتمد" حازده‌اند. این عناصر با خرابکاری‌های اقتصادی و سیاسی خود نظام جمهوری اسلامی ایران را مانند خوره اردرون می‌خورند و بتوان می‌کشد و به شوه‌های موزانه تخم‌تفاق و دشمنی در میان مبارزان راه انقلاب - اعم از مسلمانان مبارز و دیگر نیروهای مدافع راستین انقلاب می‌کارد.

توطئه ناراضی‌نراشی یکی از عمده‌ترین ترفندهای دشمنان انقلاب، به سرکردگی امیرالاسم آمریکا است. این دشمنان سوگند خورده انقلاب، در دوران دو سال و نیمه که از سرورزی انقلاب می‌گذرد، با این واقعت که برای آنان بسیار تلخ است، آشنا شده‌اند که، بدون ایجاد تزلزل در پایگاه اصلی انقلاب، یعنی در میان توده‌های ده‌ها میلیون رحمتکشان شهر و روستا، ضرب‌زدن به انقلاب صحیح - مطلوب برایشان ساز خواهد آورد.

از این رو است که ناراضی‌کردن توده‌های میلیونی یکی از مهم‌ترین بخش‌های فعالیت نامرئی ضدانقلاب را تشکیل می‌دهد. این عمل به شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد: هم از راه جلوگیری از دگرگونی‌های بنیادی به سود محرومان جامعه، تخریب در تولید و افزایش بیگاری، گران کردن کالاهای مورد نیاز همگان و عارت روبرو کردن درآمد ناچیز رحمتکشان به دست سرمایه‌داران رالوصفت، و هم از راه‌های بسیار دیگر و مودبانه‌ای مانند ایجاد فشارهای نه‌گنی غیر ضرور به مردم در زمینه‌های مختلف زندگی آنان، و سرانجام از راه تصفیه‌های مشکوک که هدفش در بسیاری موارد برگرداندن عناصر وفادار به انقلاب و پشتیبان جمهوری اسلامی ایران از کار و خایگری است. این با عناصری از قماش امیر انتظام‌ها، کلاه‌ها، کنسری‌ها، صادی‌ها و معزی‌ها در کشور مختلف است.

مجموعه این دشواری‌ها، یعنی نراشی که محصول مقابله کین‌نورانه و آشنی‌بایدیر طیف دشمنان انقلاب ایران، به سرکردگی امیرالاسم آمریکا است، ار همان روزهایی که پیروزی انقلاب دفاعی بدیدارند، قابل پیش‌بینی و بخش عمده‌ای از آن‌ها بی‌تردید قابل پیش‌گیری و اجتناب بود. تجربه ده‌ها و ده‌ها انقلاب مردمی و ضدامیرالاسمی در سراسر جهان نشان می‌دهد که در آن انقلاب‌ها نیروهای ضدانقلاب خارجی و داخلی تقریباً عین همس توطئه‌های سبهارانه راعملی کرده‌اند. این که این توطئه‌ها تا چه حد خوانسته است در آن یا آن انقلاب مشخص موفقیت‌آمیز باشد، بستگی به آگاهی، هم‌بستگی و آمادگی نیروهای باسدار و نگهبان انقلاب برای روبروئی با این توطئه‌ها داشته است.

با کمال تاسف باید گفت که نیروهای ضدانقلاب ایران، به سرکردگی امیرالاسم جهانی‌خوار آمریکا، خوانسته‌اند، با بهره‌گیری از نقاط ضعف نیروهای انقلابی، برای بخش مهمی از توطئه‌های خود یوش‌هایی به دست آورد.

دشواری‌هایی که از سرچشمه دوم بیرون می‌ریزد ناشی از بی‌تجربگی‌ها، اشتباهات، تنگ‌نگری‌ها، خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست است. این دسته از دشواری‌ها، در مجموع خود، محصول برخی عملکردهای منفی نیروهای فعال

انقلابی است، چه آن بخش از نیروهایی که اهرم‌های حاکمیت انقلابی را در دست دارند وجه آن بخش که، بدون شرکت در حاکمیت انقلابی، پاسداری و نگهداری از دستاوردهای انقلاب را داوطلبانه پذیرا گشته‌اند. البته در این میان مسئولیت بخش اول قطعاً سنگین‌تر از مسئولیت بخش دوم است، در عین این که هر دو بخش در برابر حلقه و تاریخ و انقلاب جوابگوی عملکرد خویشند و اشتباه یکی نمی‌تواند به عنوان عذر و بهانه برای توجیه اشتباه دیگری، مورد استفاده قرار گیرد.

در این دسته از دشواری‌ها، آنچه از بی‌تحرکی و یا کم‌تحرکی و یا حتی از اشتباهات ناشی می‌شود، می‌تواند در چارچوب معنی قابل بخشش باشد، زیرا هر نیروی انقلابی که حاکمیت را در دست می‌گیرد، با مسائلی روبرو می‌شود که در آن‌ها تجربه ندارد و فقط در حریفان تلاش برای حل آن‌هاست که تجربه می‌اندوزد، ولی این تلاش هر اندازه هم که همه‌جانبه و فداکارانه باشد، حالی از یک رشته اشتباهات نخواهد بود. حسن اشتباهاتی قابل توجیه‌اند. آن‌چه باخوبی است، دشواری‌های ناشی از ننگ‌نگری‌ها و خودمحوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست بخشی از آن نیروهایی است که در حاکمیت انقلابی اهرم‌های اساسی و تعیین‌کننده، سروشیت روند انقلاب را در دست دارند. این دسته از دشواری‌ها، در دوره ما، معنی در دوران فروپاشی سلطه جهانی جابراه امپریالیسم، یعنی تعیین‌کننده در سروشیت انقلاب دارند. زیرا تجربه انقلاب‌های چنددهساله، یکی از حکم دوم جهانی نشان داده است که در پیام تغییر کیفی در تمام نیروهای سیاسی و طبقاتی و اقتصادی در جهان به سود انقلاب‌های رهائی بخش ملی و دولت‌های رهاکننده از برنج‌انبار استعمارکننده و استعمارنو، رهبری‌های انقلاب‌های ضد امپریالیستی و مردمی، در صورتی که سواند با درایت و تیزی همه نیروهای بالقوه هوادار انقلاب را تحبیر کنند، می‌تواند بر همه دشمنان انقلاب چیره شود و، علی‌رغم برخی اشتباهات ناشی از کم‌تحرکی و بی‌تحرکی، انقلاب را نسبت و تحکیم بخشند و آن را به سوی پیشرفت گسترش دهند. و برعکس، غلبه بر سنگ‌نگری‌ها و خود-محوری‌ها و ارزیابی‌های نادرست در مقامات مسئول حاکمیت می‌تواند برای نفوذ عناصر دشمن از یک سو و برای رشد دشواری‌های ناشی از بی‌تحرکی و اشتباه از سوی دیگر، وسیله کمک آن‌ها برای دسسه‌های خطرناک و توطئه‌های رنگارنگ ضد انقلاب، و به ویژه توطئه جداسازی و به‌حاج هم‌اندازی نیروهای انقلابی، محیط مساعدی بدد آورد.

با کمال تأسف مردم انقلابی ایران با نگرانی بسیار شاهد این واقعت دردناک هستند که این بیماری خطرناک در انقلاب ما راه پیدا کرده و ریشه دوایده است جامعه انقلابی ما در مرحله کسوفی با طیف پهناوری از همه این دشواری‌ها، یعنی هم با دشواری‌های ناشی از فعالیت دشمنان و هم با دشواری‌های ناشی از عملکرد معنی‌خودی، دست به گریبان است. صفتا تاریخ انقلاب‌های پیروز شده و شکست خورده به ما می‌آمورد که حیره شدن برخی آمدهای اشتباهات

و کم‌تجربگی‌ها و مهم‌تر از آن چیره‌شدن بردشواری‌های ناشی از فعالیت
ضدانقلاب مهاجم و دسیسه‌گر، در درجه اول مستلزم آنست که نیروهای موثر
و تعیین کننده وبه ویژه حاکمیت انقلابی بتوانند برگرایش‌های خودمحوری و
تنگ‌نگری و ارزیابی‌های نادرست و پیش‌داوری‌های بی‌پایه درصاف خود چیره
شوند.

برای چیره شدن بردشواری‌ها باید بیش از هرچیز این دشواری‌ها را
شناخت، ریشه‌های آن‌ها را مشخص ساخت، نیروها و امکاناتی را که برای ریشه-
کن ساختن این دشواری‌ها وجود دارند، تشخیص داد و همه این نیروها را،
بدون هدر دادن، درجهبه متحدی گردآورد، و یادرنظرگرفتن نیروها و امکانات
موجود و ذخیره خودی و امکانات و نیروهای موجود و ذخیره حریف، نقشه
دقیقی برای سرد تنظیم کرد و ساززه را از راه وارد ساختن ضربه اصلی بر
ضعیف‌ترین نقطه جبهه دشمن آغاز کرد. کوتاه سخن، چیره‌شدن بردشواری-
هایی که در برابر روند تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب قد علم کرده‌اند، تنها با
برخورد و برداشت انقلابی، با سمت‌گیری، ژرف‌بینی و پیگیری انقلابی،
امکان پذیر است.

شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی ناپذیر

خوشبختانه امروز بخش عمده‌ای از نیروهای انقلابی راستین (گرچه پس از
پرداخت بهای سنگین)، امپریالیسم آمریکا و امپریالیسم اروپای غربی و زاین،
رژیم‌های ارتجاعی منطقه، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان آل‌کبرال‌ها، مائوئیست‌ها
و سایر گروهک‌های آمریکارده، بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران و حامیان‌شان را به
عنوان دشمنان انقلاب شناخته‌اند. این یک پیروزی بزرگ است.
ولی متأسفانه هنوز در بخش قابل‌توجهی از نیروهای انقلابی که اهرم‌های
حاکمیت را در دست دارند، در زمینه شناخت کامل دوستان انقلاب ما، نقاط
ضعف حادی وجود دارد.

به نظر ما، عمده‌ترین عامل افزایش دشواری‌های ناشی از نفوذ ضدانقلاب در
درون حاکمیت و نهادهای انقلابی، همین ضعف نیروهای راستین انقلاب در
شناخت دوستان راستین و دشمنان آشتی ناپذیر است. در درون بخش مهمی از
نیروهای انقلابی، این اصل برای سنجش به کار گرفته شده و می‌شود که: "هرکس"
به ظاهر مرا صددرصد تایید کند، دوست است و هرکس مرا انتقاد کند، دشمن
است. با این سنجش، اگر کسی تظاهر به شعار مذهب‌گویی کند، حرب توده ایران
و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) را "خاش" خطاب کند و "مرگ بر شوروی"
را مطرح کند که شعار مرگ بر آمریکا از یادها برود، او "دوست" است، حتی اگر
کنسروی و کلاهی و فحازاده و صادق و... باشد. و اگر کسی با صداقت و صراحت بگوید:
من پیرو سوسیالیسم علمی هستم و، مانکه مرا اعتقاد ام، از خط ضداستبدادی و ضد-

امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنم و حاضریم برای دفاع از میهنم در مقابل تجاوز آمریکائی صدام‌جان خود را فدا کنم، اودشمن است، و باید طرد شود.

با کمال تأسف، در پیامد عملکرد همین ضعف بزرگ و خطرناک، در نخستین دو سال پس از پیروزی فرصت‌های بسارمناسی برای سرکوب ضدانقلاب و تثبیت و تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب از دست رفت. در این دو سال دشمنان انقلاب ایران موفق شدند با استفاده از عناصر خود در درون حاکمیت انقلابی، در آغاز به انکای دولت "گام به گام" لیبرال‌های آمریکازده، و پس از آن به دست خود فروختگانی چون قطب‌زاده و بنی‌صدر و سلامتان و نظائرشان، که هنوز هم نمونه‌های شاخه نشده، آنان چه‌جا در جاهای حساس نشسته‌اند، از یک سو، و امثال کشمیری و فحارزاده و کلاهی و صادقی و معزی و... و بسیاری دیگر لطعات سنگینی به انقلاب زدند. درست است که نیروی لایزال توده‌های انقلابی و فدائیکاری و از خودگذشتگی و ایثار کم‌سابقه، مبارزان راستین راه انقلاب، چه در حاکمیت و نهادهای انقلابی وجه در میان نیروهای پشتیبان انقلاب در خارج از حاکمیت، زیر رهبری با درایت، بی‌ترلز و آشتی‌ناپذیر امام خمینی، این توطئه، خطرناک دشمنان انقلاب را تاکنون عقیم گذاشته است، ولی در همین حال ساده‌نگری است اگر تصور شود که این توطئه منحرف‌ساختن انقلاب ایران از راه اصلیش، برای همیشه با شکست روبرو شده است. اشتباه فاحشی است اگر پذیرفته نشود که زمینه، این توطئه، همان‌طور که امام خمینی یادآور شدند، محصول غفلتی است که مسئولان انقلابی جمهوری اسلامی ایران بدان دچار شدند، و این غفلت ضرباتی بر بیکر انقلاب وارد ساخته، که تاکنون برای همین ما بسیار گران تمام شده است. بحاست اگر همه، مبارزان راه انقلاب هر روز صبح این گفته تاریخی امام خمینی را به یاد بیاورند و در تمام کار روزانه، خود همواره بدان توجه داشته باشند:

"نباید فراموش کنیم که در جنگ با آمریکا هستیم. ما در جنگ با آمریکا هستیم و تفاله‌های آمریکا. این تفاله‌هایی که قالب زدند خودشان را و ما غفلت کردیم. الان هم هستند."

امام خمینی - گفتار ۵ شنبه ۱۱ تیر ۱۳۶۰

تنها با بکار بستن این رهنمود، نیروهای راستین انقلابی می‌توانند این خطرناک‌ترین سرچشمه، ایجاد تشنج و نفاق را در درون جنبه، نیروهای انقلابی شناسایی کنند و این سرطان خطرناک را دور سازند. در این ارتباط بسیار بحاست اگر توجه کنیم که همه، عناصری که امروز خیانتشان مسلم شده است، با چند جنگ‌افزار سیاسی وارد میدان شدند: تظاهر به اسلام، حتی در مواردی تظاهر به "اسلام افراطی و قشری"، دشمنی کین‌توزانه با بخشی از پشتیبانان راستین انقلاب و به ویژه با حزب توده، ایران، و برعکس گذشت و دوستی و پشتیبانی از ساواکی‌ها، سلطنت‌طلبان، ضدانقلابی‌ها، مائوئیست‌ها و سایر تفاله‌های آمریکا و دشمنی لحام‌گسیخته با کشورهای سوسیالیستی و به ویژه با اتحاد شوروی از یک سو و

دوستی و آمادگی برای همکاری با آمریکا از راه اروپای غربی و زایش ارسوی دیگر؛ حمایت از منافع غارتگرانه، کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان و سایر رالوهای اقتصاد و مخالفت با ست‌گیری مردمی انقلاب و جلوگیری از اخراج آن موادی از قانون اساسی، که منافع محرومان و محدودکننده غارت جباولگران است.

بدین سان، نیروهای انقلابی برای ساخت دوستان راستین و دشمنان کس‌توز انقلاب پیش از هر چیز باید معیارهای درست برگزینند. بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین مانع در این زمینه خودمحوری و ست‌گیری است. برپایه خودمحوری و تنگ‌نگری قشری یا اجتماعی - طبقاتی هرگز نمی‌توان به معیارهای درست برای تشخیص دوست از دشمن دست یافت.

معیارهای سنجش دوستان و دشمنان انقلاب

موتق‌ترین معیار سنجش در این زمینه، همان وفاداری به آماج‌هایی است که توده‌های ده‌ها ساله می‌رحمتکشان، میهن‌دوستان و مبارزان راه استقلال و آزادی واقعی برای دیت‌یافتن به آن‌ها، علیه جبهه متحد ضدانقلاب داخلی و امپریالیست‌های حامی‌اش به سر می‌برند و با خناسازی و ایثار کم‌نظرانقلاب را به پیروزی رساندند. آماج‌های این انقلاب، که در جمهوری اسلامی ایران و در قانون اساسی‌اش تبلور گردید، عبارت بود از:

۱ - پایان بخشیدن به تسلط خائزانه و غارتگرانه امپریالیست‌ها و نامیسن همه‌جانبه استقلال ملی؛

۲ - سرگون ساختن کاح استبداد و سدادگری و نامیسن آزادی‌های فردی و اجتماعی برای توده‌های محروم از آزادی؛

۳ - لحام ردن به غارتگری بی‌سندوبار جباولگران اجتماعی و نامیسن عدالت اجتماعی به سود توده‌های محروم و غارت‌شده.

اگر ما این معیار را، که امام خمینی همواره بدون کوچک‌ترین تغییر، مورد تاکید قرار داده‌اند، چه در مورد مناسبات با نیروهای اجتماعی درون جامعه انقلابی خودمان و چه در مناسبات کشورمان با دیگر کشورها و نیروهای اجتماعی براسرجهان، درست به کار بریم، بی‌تردید خود را از بسیاری از استباهات، و شاید از عمده‌ترین بخش آن، نجات خواهیم داد.

بزرگ‌ترین مسئولیت تاریخی آن بخش از نیروهای انقلابی، که خود را پیرو خط امام خمینی می‌داند، شناخت درست و کاربرد عقلانی همین معیار است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب ایران، که برای تعیین معیارهای مورد بحث

دارای ارزش بسیار است، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. در این قانون، صرف نظر از برخی کاسی‌ها و نارسایی‌ها، جهات اصلی سمت‌گیری انقلاب ضد استبدادی، ضد امپریالیستی و مردمی ایران رسم شده و اصول ضروری برای رسیدن به آماج‌های انقلاب، یعنی "استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی" تا حد قابل توجهی پایه‌گذاری شده است. پذیرش عهد عاقده در اجرای بدون جدسه قانون اساسی، نخستین گام در راه پشتیبانی از انقلاب شکوهمند مردم میهن ماست و به نیروهای انقلابی کمک می‌کند، تا معیارهای واقعی را برای ساختن دوستان و دشمنان انقلاب به دست آورند.

حزب بوده، ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، به عنوان نمایندگان یک جریان فکری - اجتماعی انقلابی، میهن دوست و آزادخواه، که به دست آوردن استقلال همه‌جانبه، برانداختن کامل سلطه حاکمانه، استثمار و استثمار، دفاع از آزادی برای محرومان جامعه و دگرگونی‌های بنیادی اقتصادی - اجتماعی در جهت خواست‌های انقلابی - اجتماعی نوده‌های دهه‌ها میلبوسی کارگران و سایر زحمتکشان شهر و روستا را اساس برنامه، خود قرار داده‌اند، نظر خود را در این زمینه برای دیگر نیروهای انقلابی جامعه بیان می‌دارند. ما اعتقاد راسخ داریم که این برنامه در چارچوب قانون اساسی کشور ما قابل اجرا بوده و در عمده‌ترین زمینه‌های مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی، با آنچه که مبارزان مسلمان انقلابی، نیروان را خط امام خمینی، در چارچوب نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح کرده‌اند، مطابقت و احداقت بسیار نزدیک است. درست به همین جهت است که ما با اعتقاد راسخ به توانایی عقیدتی خود، با تمام نیرو از خط ضد امپریالیستی و مردمی امام خمینی پشتیبانی می‌کنیم و با بی‌گیری حساسی - ناپذیر در راه ایجاد جنبه متحدی از همه نیروهای سرخط امام خمینی، از همه نیروهای پشتیبان خط امام، که صادقانه به آماج‌های انقلاب مردمی ما وفادارند، می‌کوشیم.

الف. استقلال ملی

به نظر ما، استقلال ملی برای خلق‌های میهن ما هنگامی ناممکن است که ریشه‌های هرگونه تسلط حاکمانه، سیاسی، تسلط غارتگرانه اقتصادی، سلطه آمرانه، نظامی و سلطه گمراه کننده و منحرف سازنده، فرهنگی استعمار و استثمار و خشکانده شود و سرسخت میهن ما و خلق‌هایی که در آن به سر می‌برند، تنها و تنها با اعمال اراده آزاد نوده‌های دهه‌ها میلبوسی زحمتکشان تعیین گردد.

طی دو سال و سیمی که از پیروزی انقلاب شکوهمند میهن ما می‌گذرد، کامیابی‌های چشم‌گیری در زمینه ناممکن استقلال ملی به دست آمده است. هم‌اکنون سیر مردم میهن ما به بی‌کاری سرسخت‌ساز برای تسبیب و حکیم و گسترش این پیروزی‌ها مشغولند. با وجود این، ساده‌اندیشی است اگر تصور شود که انقلاب

ایران در زمینه استقلال همه جانبه به همه آماج های خود رسیده است :
در زمینه استقلال سیاسی امپریالیسم جهانی ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا
ظنی دو سال ونیم گذشته ، در حاکمیت سیاسی ، به وسیله عمالی که در نهادهای
انقلابی خازده بود ، در مجموعه حوساسی فعال ، پایگاه های نیرومندی را در
اختیار داشت و از آن ها برای جهت دادن به سیاست خارجی و داخلی حاکمیت
جمهوری اسلامی ایران به طور موثر بهره گیری می کرد ، با کمال تاسف باید گفت
که ، هنوز هم می کند . حالا دیگر راز پوشیده های نیست که تا همین اواخر وزارت
خارجه ایران تقریباً تمام ترکیب هیئت های نمایندگی ایران در سراسر جهان
در دست بازماندگان عیان و پنهان رژیم گذشته و پیاده کنندگان راه سازش با
امپریالیسم ، یعنی سنجایی ها ، پردی ها ، قطب زاده ها ، بنی صدرها و سایر
دستیارانشان قرار داشت .

در آن زمان سیاست خارجی ایران به طور مشخص در جهت هموار کردن راه
سازش با امپریالیسم آمریکا ، در جهت جلوگیری آشکار و پنهان از گسترش
مناسبات دوستانه با کشورهای انقلابی و جنبش های آزادی بخش ضد امپریالیستی
که در جنبه واحدی با انقلاب ایران علیه امپریالیسم و صهیونیسم مبارزه
می کنند ، در جهت تیره ساختن مصنوعی مناسبات ایران با کشورهای سوسیالیستی
و به ویژه با اتحاد شوروی ، که همه جانبه از انقلاب ایران پشتیبانی می کنند ، سیر
می کرد .

در برخورد با رویدادهای کشورهای همسایه و برادر ایران ، افغانستان ، پردی ها
و قطب زاده ها و بنی صدرها سیاست ایران را در جهت به صورت دنباله سیاست
دشمنان سوگند خورده انقلاب ایران و همه انقلاب های مردمی جهان ، یعنی
آمریکا ، انگلیس ، پاکستان ، چین ، عربستان ، مصر و عمان در آوردند .

تصادفی نیست که پس از گذشت بیش از دو سال ونیم از پیروزی انقلاب ، میان
کشور ما و کشورهای چون جمهوری دموکراتیک خلق چین و جمهوری سوسیالیستی
ویتنام ، که در اولین سنگرهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی قرار گرفته اند ،
تازه دارد روابط سیاسی برقرار می شود و دولت ایران هنوز از به رسمیت شناختن
دولت انقلابی کامبوجیا خودداری می کند ، و آن هم در شرایطی که این دولت
انقلابی از طرف همه کشورهای جنبه جهانی ضد امپریالیستی و همه جنبش های
آزادی بخش ملی به رسمیت شناخته شده و تنها از طرف امپریالیست های آمریکا ،
اروپای غربی و ژاپن ، و نیز چین و اسرائیل و رژیم پینوشه و آفریقای جنوبی و سایر
دشمنان انقلاب ایران تحریم شده است .

مردم ایران و همه نیروهای راستین انقلاب با خشنودی این واقعیت را مورد
توجه قرار می دهند که از مدتی پیش از برکناری بنی صدر ، و به ویژه پس از رسوایی
و برکناری خط آمریکایی سازش و تسلیم از میدان فعالیت سیاست خارجی ایران ،
گام های جندی در جهت تصحیح این گرایش بیمارگون برداشته شده است . امید
است که این گام ها سر آغاز یک چرخش تاریخی در شناخت درست دوستان و
دشمنان انقلاب ایران در میدان بزرگ سرد جهانی باشد .

به نظرم در دنیای امروز استقلال واقعی و عدم وابستگی هر کشور بدون همبستگی با جنبه عظیم و نیرومند جهانی ضد امپریالیستی امکان پذیر نیست. این جنبه، به طور تفکیک ناپذیر، تشکیل می شود از کشورهای سوسیالیستی، جنبش اصیل انقلابی کارگری در کشورهای سرمایه داری رشد یافته و جنبش های راستین آزادی بخش ملی و ضد امپریالیستی چه آن هایی که در کشورهای خود به پیروزی رسیده و دولت های ضد امپریالیستی و مردمی به وجود آورده اند و چه آن ها که هنوز برای به دست آوردن آزادی و استقلال نبرد می کنند.

این جنبه محصول یک نبرد تاریخی بسیار دراز مدت نیروهای مردمی، محصول مبارزات نزدیک به دوست ساله طیفه کارگر در سراسر جهان، محصول پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در روسیه، محصول پیروزی اتحاد شوروی و سایر نیروهای انقلابی خلقی و آزادی خواه علیه فاشیسم آلمان و ایتالیای نظامی - گری زاین در جنگ دوم جهانی، محصول دگرگونی های سوسیالیستی در نزدیک به بیست کشور جهان در دوران پس از جنگ، و سرانجام محصول کامیابی های عظیم و سرزدندگی و مرگ جنبش های ضد امپریالیستی و استقلال طلب در ده ها دهه ها کشور دیگر است. این جنبه محصول عالی تلاش تمام بشریت متمدنی دوران ما علیه سیدادگری و غارتگری سرمایه است. تجربه نشان داده است که تنها در چارچوب همبستگی با این جنبه جهانی، جنبش های راستین و اصیل آزادی بخش ملی می توانند به آماج های استقلال طلبانه، آزادی خواهانه و عدالت بزوهانه خود دست یابند و، درست برعکس، بریدن پیوندهای همبستگی با این جنبه، نیرومند جهانی، نخستین گام در جهت افتادن در دام های امپریالیسم جهانی است. سرنوشت انقلاب های ویتنام، کوبا، لائوس، کامبوجیا، مورامیک، آنگولا، الحاریر، سوریه، لیبی، یمن دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان، هندوستان و ده ها کشور دیگر از یک سو، و کشورهای اندونزی، مصر، سودان، سومالی، عراق، مالی و پاکستان از سوی دیگر، به بهترین وجهی این واقعیت دوران ما را نشان می دهد. دشمنان همبستگی با این جنبه، نیرومند جهانی و آن عناصر با آگاه که در دام این دشمنان افتاده اند می کوشند از راه بازی با واژه ها این همبستگی و کمک متقابل برادرانه و برابر حقوق را به عنوان وابستگی حایز نند و توده های مردم انقلابی را از حرکت در این راه بازدارند.

واقعیات انکار ناپذیر دوران ما در سراسر جهان نشان می دهد که دشمنان سرخخت دوستی و همبستگی با جنبه جهانی ضد امپریالیستی، زیر هر نقابی که ظاهر شوند، بالاخره مانند قطب راده ها و بینی صدرها از با تلاق تسلیم به امپریالیسم سردر می آورند.

دفاع علی

تأمین استقلال سیاسی بدون امکانات اطمینان بخش برای دفاع ملی مسر نیست. در دنیای کنونی، که سروهای مجاوز امپریالیستی و رژیم های ارجاعی

برای تثبیت پایه‌های متزلزل شده، کاخ‌های فرمانروایی فارنگرانه و حارانه خود، اردبیل را بزرگترین به هیچ گونه حیاتی روگردان نیستند. سازماندهی یک سیستم نیرومند دفاع ملی، هم در زمینه دفاع نظامی و هم در زمینه امنیتی، یعنی دفاع در برابر نفوذ خرابکاران و توطئه‌گران وابسته به دشمن، از ضرورت‌های درجه اول انقلاب است.

تجاوز نظامی رژیم صدمردمی و جنایتکار صدام پیمان تجاوزهای نظامی امپریالیستی نیست. امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های ارتجاعی منطقه خود را برای وارد آوردن ضربات بعدی به جمهوری اسلامی ایران آماده می‌کند. آمریکا با نگاه‌های نظامی خود را در بیرونی ایران گسترش می‌دهد. در ترکیه، پاکستان، عربستان سعودی، یونان، ایالات متحده و سایر نقاط جهان وجود می‌آید و با نگاه‌های موجود فعال می‌شود. ارتش آمریکا نیروی صریحی واکش سریع را برای ورود به عمل آماده می‌کند. و هم-بیمانان اروپایی او در تاتو تعهدات معنی در اس زمینه به عهده می‌گیرند. خلیج فارس عملاً در محاصره نیروی دریایی و با نگاه‌های نظامی آمریکا قرار دارد.

اسرائیل، سپهکاری خود را در کشورهای عربی هر روز تشدید می‌کند و رژیم‌های ارتجاعی مصر و سوئدان و اردن و عربستان وارد بندوبست‌های خطرناکی با امپریالیسم و صهیونیسم می‌شوند.

بدون تردید جمهوری اسلامی ایران یکی از نخستین و حساس‌ترین آماج‌های نظامی امپریالیسم در خاور میانه است و برای این که در برابر توطئه‌های نظامی امپریالیستی بتواند از خود دفاع کند به ارتش مجهز، انقلابی و مردمی نیاز دارد. نیروهای مسلح کشور به منظور دفاع در برابر هرگونه تجاوزی باید هم از لحاظ کمی و هم از لحاظ کیفی آماده گردند. کیفیت نیروهای مسلح بستگی دارد به وفاداری حذمت‌ناپذیر این نیروها در تمام سطوح به آرمان‌ها و آماج‌های انقلاب و در اختیار گرفتن جنگ‌افزارهای امروزی و کاربرد و آمادگی فنی و ورزشی. باید ترتیبی داد که ارتش ایران بهترین سلاح‌ها را بدون وابستگی و قید و شرط به دست آورد و از همه امکانات برای خودکفایی ارتش تا حد ممکن بهره‌گیری شود.

ولی همان‌طور که تجربه دو سال و نیم انقلاب نشان داده، شرط اول و اساسی برای ایجاد چنین سیستمی، پاکسازی دقیق دستگاه‌های دفاعی و امنیتی و انتظامی از عناصر وابسته به دشمن و ایجاد سدی بر سر راه نفوذ سون و تحم ساواکی، سلطنت‌طلب، مائوئیستی، لیبرال و خرابکار در این سیستم است.

تجربه دو سال و نیم گذشته نشان داد که هشدارهای سازمان‌های متفرقی در این زمینه توجه اندازه درست بوده است.

این تجربه از طرف دیگر به خوبی نشان داد که بوده‌ای نیرو، عداوتی نیرو و کمونیسم سوسیالیستی، زیر نظر ظاهر انقلابی به اسلام، شیعه و سایر خادمان فاسقین برای نفوذ عناصر ضد انقلاب نظیر کمونیسم، گمراهی، اجناس راه، مسخری و دهها و دهها امرگروندگان از نوع افراطی و غلبه در دستگاه‌های ارتش، پلیس

و امنیتی بوده است. این اصل در آینده هم مسلماً به قوت خود باقی خواهد ماند.

هرگونه تلاش برای جلوگیری از ترک نیروهای راستین انقلاب در امر دفاع ملی، خواسته‌ها ناخواسته، آگاهانه یا ناآگاهانه، خدمتی است به نیروهای کین‌تور ضدانقلاب. تاریخ آینده، انقلاب ما صحت این حقیقت انکارناپذیر را ثابت خواهد کرد و جهه، کره قطب‌زاده‌ها، بی‌صدراها و کشمیری‌های امشاه شده را از زیرقاب‌های رباکاری بیرون خواهد کشید.

در امر سازماندهی دفاع ملی، تقویت همه‌جانبه، سپاه پاسداران - ارحاط آموزش، تجهیزات و تسلیحات امروزی سنگ و سنگین، اهمیت فراوانی دارد. باید این سپاه بیش از پیش نیروگرفته و جای شایسته، خود را در دفاع از انقلاب احراز کند.

در امر سازماندهی دفاع ملی، هماهنگی بخش‌های گوناگون نیروهای دفاع ملی از ارتش تا سپاه ضرورت حتمی دارد. این هماهنگی باید بر مبنای اصول انقلابی تحکیم شود و در خدمت آمیج‌های مردمی و ضد امپریالیستی انقلاب قرار گیرد.

استقلال اقتصادی همان بی‌چون و چرای استقلال سیاسی است

در این زمینه نیز انقلاب شکوهمند مهین ما به دستاوردهای گرانسپاهی رسیده است، که هر یک بر سلطه بی‌چون و چرای امپریالیستی بر اقتصاد ما، ضربه‌ای کاری وارد آورده است. یکی از مهمترین این دستاوردها همان کوتاه کردن دست غارتگر امپریالیست‌های جهان‌خوار از صنایع برتر نفت ایران است که تا لغو کنیه قرار - دادهای تحمیلی استعماری، به آخرین مرحله، رهایی از تسلط انحصارهای امپریالیستی رسید. ولی علی‌رغم این دستاورد بزرگ و دستاوردهای دیگر، اقتصاد ما هنوز در بار عمیق وابستگی به اقتصاد غارتگر امپریالیستی دست‌وپا می‌زند و هنوز باصدها رنجبر به آن بسته است. تجارت خارجی ما، که اکنون وسیع‌ترین و فعال‌ترین بخش اقتصاد کشور است، به طور عمده و تعیین کننده در دست سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و در وابستگی یکجانبه به اقتصاد امپریالیستی است. صنایع همتا، که بخش عمده صنایع ساخته شده در خارج و وابستگی به اقتصاد کشورهای امپریالیستی را تشکیل می‌دهد، هنوز در این خارج و دست‌وپا می‌زند و آینده، روشنی برای آن دیده نمی‌شود. همان‌طور که سیاست مرزانه و دورویانه امپریالیست‌های زاپسی در مورد خودداری از ادامه بخش کوچک باستانی ساختمان مجتمع بتروشمی نشان می‌دهد، این غارتگران جهانی تنها در شرایط مناسبات دوران آریامهری، یعنی دوران غارت بی‌سندوبار ثروت‌های ملی ما، حاضر به همکاری با کشور ما هستند. از همان روز پیروزی انقلاب ایران، برای کسانی که امپریالیسم را در تمام اروپا و آسیا می‌شاهد، روشی بود که سیاست پیشین با استقلال اقتصادی برای ایران انقلابی، تنها و تنها از راه بریدن همه رنجبرهای وابستگی به اقتصاد امپریالیستی و پلای برای

بهره‌گیری از مناسبات برابر حقوق با کشورهای که حاضر به برقراری چنین مناسباتی هستند، و در درجه اول با کشورهای جنبه عظیم ضد امپریالیستی جهان امکان پذیر است. تنها در چارچوب این مناسبات است که کشور ما می‌تواند از ثروت‌های عظیمی که در اختیار دارد، برای پایه‌ریزی یک اقتصاد خودکفا و متکی به خود، به بهترین نحو استفاده کند. مقایسه نتایج کار مجتمع‌های بزرگ صنعتی ذوب آهن اصفهان و پتروشیمی با تمام و نیز کارخانجات گران قیمت فولاد گازی یا یکدیگر، بهترین نشانگر راهی است که انقلاب ایران باید برای توسعه صنایع خود، به عنوان پایه‌ای برای پیشرفت اقتصادی کشور، برگزیند. راه رسیدن به استقلال اقتصادی میهن ما از کارمیدان‌های وسیع صنایع ذوب فلزات، ماشین‌سازی و پتروشیمی، که باید هرچه زودتر دست به کار احوالات آن‌ها شد، می‌گذرد. و این صنایع را تنها و تنها از راه همکاری برابر حقوق با کشورهای صنعتی سوسیالیستی می‌توان پایه‌گذاری کرد. دشمنان و مخالفان این سمت‌گیری در اقتصاد کشور ما، که ضامن اساسی نگهداری استقلال سیاسی به دست آمده است، آگاهانه یا ناآگاهانه، در جهت نابودی استقلال سیاسی و تجدید وابستگی استعماری دوران آریامهری عمل می‌کنند.

در مورد اقتصاد نفت و گاز باید این واقعیت را بالاخره به حساب آورد که امپریالیست‌های جهان حواری، به ویژه اکنون که از تجدید سلطه خود بر کشور ما روزی روز ناامیدتر می‌شوند، در مورد کشور ما، چنانچه در مواضع ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی خود یادآور شده‌اند، همان‌سیاستی را اعمال خواهند کرد که ۲۵ سال است در مورد کوبای انقلابی و جدیدین حال است در مورد ویتنام انقلابی اعمال می‌کنند. یعنی ادامه و تشدید فشارهای اقتصادی تا حد تحریم خرید نفت ایران. در این زمینه امپریالیست‌ها از حمایت دستیاران خود در عربستان سعودی و دیگر رژیم‌های ارتجاعی کشورهای صادرکننده نفت، بهره‌گیری می‌کنند. امتناع ۱۳ شرکت زاپسی از ادامه خرید نفت ایران، که مسلمانان را به با کارتل غارتگر آمریکایی، انگلیسی- هلندی نفت انجام گرفته، حلقه‌ای از رنجیر این اعمال فشار اقتصادی است. ساده‌بینانه است اگر تصور شود که امپریالیست‌های جهانی، با توجه به امکاناتی که در عربستان سعودی و دیگر کشورهای نفت‌خیز زیر تسلط خود دارند، پیش از انفجار انقلابی در این کشورها به علت احتیاج به نفت ایران، اجاری به پذیرش شرایط ایران انقلابی خواهند داشت. دولت ایران باید در زمینه اقتصاد نفت و گاز هرچه زودتر این حقیقت را دریابد که گسترش این بخش بسیار مهم از اقتصاد، هم‌ارزیت نامن بازار فروش نفت و گاز و هم‌ارزیت نامین تکنولوژی و وسایل ضرور برای استخراج و بهره‌برداری صنعتی، تنها در چارچوب همکاری همه‌جانبه با کشورهای جنبه جهانی ضد امپریالیستی و کشورهای که در راه نامین استقلال اقتصادی خود کوشا هستند، امکان پذیر است.

نامین و تضمین استقلال اقتصادی، یعنی رهایی از وابستگی‌های استعماری و نواستعماری، بدون کوباه کردن دست سرمایه‌داری غارتگر داخلی وابسته به

اقتصاد امپریالیستی، از تجارت خارجی و ازبخش تعیین کننده، توزیع کالاهای ضرور در درون کشور و اجرای قاطع اصول ۴۳ و ۴۴ قانون اساسی، امکان پذیر نیست. بخش دولتی و تعاونی اقتصاد باید در این زمینه مواضع مسلط به دست آورند. جامعه تنها از این راه می تواند بر فعالیت بخش خصوصی نظارت کند و به غارتگری بی بندوبار کلان سرمایه داران و محترکان و واسطه های بزرگ را الوصف کند که در طول دو سال ونیم پس از انقلاب، به گونه ای لجام گسیخته، زحمتکشسان میهن ما را غارت کرده اند، لگام زند.

لزوم پی ریزی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی

رسیدن به استقلال اقتصادی بدون پی ریزی وسازماندهی یک اقتصاد خودکفای کشاورزی ودام داری، برپایه آخرین دستاوردهای علمی وتجارب اجتماعی کشورهای انقلابی، ممکن نیست.

نخستین گام در این راه پایان بخشیدن به نظام جنایت بار بزرگ مالکی است که هنوز، چون هشت پای خون آشام، آخرین رمق میلیون ها خانوار زحمتکش روستا را می مکد و بزرگترین مانع در راه ورود آزادی در روستا و رشد اقتصاد کشاورزی است. تطویب و اجرای بی خدشه و سریع قانون اصلاحات ارضی برپایه آنچه در شورای انقلاب مورد تأیید قرار گرفت، راه را برای این دگرگونی بنیادی در روستای ایران هموار می کند. ولی بدون تردید این تنها نخستین گام است. پی ریزی یک اقتصاد کشاورزی که به حد مقدور، خودکفا باشد تنها از راه گزینش شیوه های آزمایش شده برای افزایش تولید کشاورزی کشورهای کم رشد، میسر خواهد بود. برای کشور ما، که زحمتکشان روستایش از ابتدایی ترین امکانات و وسایل مدرن کشاورزی و دامپروری محرومند، یگانه وسیله برای بازکردن راه رشد اقتصاد کشاورزی، ایجاد تعاونی های کشاورزی و دامداری و شرکت داوطلبانه دهقانان، با کمک همه جانبه دولت، در آن ها است. کمک دولت باید به صورت زیرین باشد:

- ایجاد مراکز تحویل و تعمیر ماشین های کشاورزی و تأمین سوخت آن ها.
- تأمین و تحویل کود ضرور ویدر مرغوب ویر محصول،
- تأسیس وگسترش و فعال کردن مراکز خدمات کشاورزی و روستایی برای تحویل ماشین آلات، تحویل بذر وکود، خدمات عمرانی و راهنمایی دهقانان،
- واگذاری اعتبارات درآمدت وکم بهره،
- فعالیت دامنه دار برای تهیه آب، آب رسانی، برق رسانی و ساختمان راه های روستایی،
- خرید یکجا و یا بپه، مناسب مازاد محصولات کشاورزی و قطع دست غارتگر سلف خران، واسطه هاو محترکان،
- کمک به ایجاد شبکه وسیع تعاونی های مصرف برای رفع نیازمندی های روزمره روستائیان

— کمک به ایجاد شوراهای ده درگنیه، روساها و دادن اخبارات و امکانات مالی و قانونی به آنها و تبدیل آنها به ارکان‌های فعال و موثر قدرت دولتی در روسا.

استقلال فرهنگی

به وزارت و استیسی اسارت‌بار سیاسی و اقتصادی، رژیم سگ‌مار پهلوی اسارت فرهنگی مبین‌ترین ما را، که خود دارای یکی از غنی‌ترین و باارزست‌ترین فرهنگ‌های جهان است. به فرهنگ درحال انحطاط غرب و به ویژه به "فرهنگ" صحنه آمریکایی به بالاترین درجه خود رسانید. — به جایی رسانید که گذاشتن نام "عظاری" و "با" داروگری روی تابلوها سنگ و عمارت به حساب می‌آمد و "سوپر مارکت" و "دراگ استور"، که ۹۹ درصد از مردم ایران معنای آن را نمی‌فهمیدند و نمی‌فهمند، نشانه، شخصی و اعسار شد.

گنبدترین داغ تنگ بر سیاست فرهنگی رژیم وابسته آریامهری واقعیت‌های سوادآموزی است. در کشوری با این همه امکانات اقتصادی و مالی، که کم‌تر کشور درحال رشد در جهان از آن برخوردار بوده است. در کشوری با این فرهنگ غنی و اصل، گندی کثرت ابتدایی‌ترین پایه فرهنگ مترقی، که با سواد کردن بوده‌های میلیونی زخم‌گشای آن است. کم‌نظر بوده است. همین بس که در آخرین سال فرمانروایی رژیم وابسته، سرنگون شده، خود رژیم مجبور شد اعتراف کند که بس از ۹۴ درصد زبان روسی از بعد از جوانین و سوشن محروم شد و امکان سوادآموزی نداشته‌اند.

یکی از مهم‌ترین و مبرم‌ترین وظایفی که انقلاب شکوهمند پهلوی ما در برابر حاکمیت انقلابی گذاشت. همین پاره‌کردن زنجیرهای وابستگی اسارت‌بار فرهنگی به فرهنگ درحال انحطاط غرب و بی‌ریزی یک فرهنگ شکوفای ملی بود. امام خمینی در ره‌هم‌بودهای خود به مناسبت به‌صورت سوادآموزی و گسترش شبکه مدارس و مبارزه با غرب زدگی در فرهنگ، اهمیت این سرد را به مسئولان کشور گوشزد کرده‌اند. گسترش شبکه مدارس ابتدایی در روساها و شهرها و تصمیم دولت درباره کمک مالی به هر گروه مردمی که بخواهد مدرسه‌ای بسازد، البته کام‌های قابل‌ساییدی در این راه بوده است. ولی این‌ها فقط قطره‌هایی است در دریای نیاز سوزان میلیون‌ها مردم به فرهنگ.

کمبودها، استباهات، خرابکاری‌ها... که در همه زمینه‌ها اثر گذاشته است. در این میدان هم به صورت مانع اصلی در برابر روند پیشرفت درآمد.

به علت تسلط غرب‌زدگان و آمریکازدگان و پیروان خط لبرالی سازش و تسلیم بر دولت موقت و دنباله‌روان آن، از یک سو، و عملکرد گروه‌های واپس‌گرا، که با هرگونه اعتدالی فرهنگ مردمی و پیشرو دشمنی می‌ورزید، از سوی دیگر، امکانات بسیار مساعد و بزرگی در دو سال و نیم دوران انقلاب اردست رفت، و ما امروز در برابر کوهی از دشواری‌ها بر سر راه توسعه فرهنگ مردمی پیشرو، قرار

گرفتارم .

دانشگاهها ، که وظیفه تربیت کادر علمی وقتی برای رشته‌های گوناگون اقتصاد ، صایع ، کشاورزی ، ساختمان ، فرهنگ ، آموزش و پرورش ، سازماندهی کشور و غیره را برعهده دارند ، به حر دانشگاه‌های علوم دینی و کونه‌ای از دانشکده‌های برسی ، در حال تعطیلند . بیش از صد هزار جوان دانشجو ، که در دانشگاهها معسول تحصیل بودند ، بیگار و بی هیچ دورنمایی برای زندگی ، تنه آموختن و بهکار انداختن آموخته‌های خود در راه اغلای فرهنگی و اقتصادی مهن ، در حال انتظارند . هر سال دهها هزار دانش آموز ، درستانها را ترک می‌کنند و به این خیل عظم می‌پیوندند . همه اینها در مجموع خود ، رهن حاصلخیزی برای برداشتی‌های ضدانقلاب و رویایدن انواع انحرافات سیاسی و اخلاقی فراهم می‌آورد .

ولی به موازات این محرومیتها برای صدها هزار جوان مهن ما ، که اکثرشان از واستگان به افسار صانه وحتی از فرزندان طبقات محروم اند ، برای بیش از یکصد هزار نفر ، که اکثرا از افسار نرومند و حتی از خانواده‌های غارتگران هستند ، در دانشگاه‌های آمریکا ، انگلیس ، آلمان غربی ، فرانسه ، ایتالیا و سایر کشورهای امپریالیستی غرب ، با برخورداری از همه‌گونه سهیلات ، امکان تحصیل فراهم می‌شود . بدین ترتیب دعوی دشوار است که گویا در دانشگاه‌های ایران فرزندان خلق ، زیر نظر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران ، غرب‌زدگی پیدا می‌کنند ، ولی فرزندان اقتدارمرفه ، با هزینه ماهی ۱۰۰۰ دلار و پرداخت هزینه تحصیلی سالانه در حدود ۵ تا ۱۰ هزار دلار برای هر نفر ، در دانشگاه‌های کالیفرنیا و لندن و پاریس ، درست آن طور تربیت می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران خواهان است!

این نفیض آشکار با هیچ "برهانی" قابل توجه نیست .

نهیست سوادآموزی ، که در آغاز نیروی عظیمی را با شور و شوق خود جلب کرد ، به علت سنگ‌نگری و قسری‌گری مستولان در حقیقت به حال رکود افتاده است تا سفاکی است که هزاران فرد علاقمند و آماده برای خدمت به مردم ، که بسیاری از آنان حتی به هیچ سازمان و سمت‌گیری سیاسی وابستگی ندارند ، تنها به این علت که از پاسخ گوئی به پرسش‌هایی که سناری از طلاب علوم دینی بر آر آن عاجزند از ترک در بیگار علیه سوادآموزی محروم می‌مانند .

ما نمی‌توانیم بر دید کنیم که در این میدان سهم نبرد هم امپریالیست‌ها ، قطب‌زاده‌ها ، بی‌صدرها و کسب‌وری‌ها دست‌اندرکار بوده و هستند ، تا ما کمک آگاهانه و یا ناآگاهانه عناصر سنگ‌نگر و قسری و نا به کار بودن همان سبیه‌هایی که در میدان فعالیت سیاسی و اقتصادی به طور موثر به کار برده‌اند ، رشد فرهنگ اجتماعی را کند کنند و هر جا سواد آن را به سزاهه بکشاند . رشد یک جامعه در دینای گوئی و آینده ، بدون رشد همه‌جانبه فرهنگ عمومی آن ، در ریشه‌های علوم ، فنون ، ادبیات ، هنر و ریشه‌های دیگر غیر قابل تصورات ، مستلما می‌توان با جارحیت‌های یولادین جلو رشد طبیعی و سرفی فرهنگ یک جامعه را

برای مدت زمان معینی گرفت، ولی چنین سیاستی، بدون هیچ تردید، آینده‌ای نخواهد داشت. اندیشه‌ها، اگر در جهت سیر تکاملی تاریخ بشری باشند علی‌رغم تمام تلاش‌های واپس‌گرایانه زنده می‌مانند و رشد می‌کنند. سیر تاریخ اسلام انقلابی و مردمی و نیز سیر تاریخ مارکسیسم، یعنی اندیشه انقلابی دوران معاصر ما، نمونه‌های برجسته این حکم تخطی‌ناپذیر تاریخند.

بر پایه این اعتقادات است که حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می‌خواهند که اجازه ندهند تحریکات عوامل دشمن انقلاب از یکسو، و عملکرد عناصر ناآگاه و خودمحور و تنگ‌نگر و واپس‌گرا از سوی دیگر، جریان عظیم و سرنوشت‌ساز انقلاب فرهنگی را از سمت‌گیری اصیل خود منحرف سازند؛ هدف این سمت‌گیری نمی‌تواند چیزی جز پاره کردن زنجیرهای اسارت غرب‌زدگی و انحطاط از دست و پای فرهنگ ملی ما و بازکردن راه پیشرفت همه‌جانبه و آزاد فرهنگ مردمی مترقی، با بهره‌گیری از همه ارزش‌های فرهنگی متمدنی و مردمی جهان پیرامون ما، باشد.

ب. آزادی

یکی از سه شعار اصلی انقلاب شکوهمند مبهن ما "آزادی" است. میلیون‌ها مردم زحمتکش ایران که از استبداد اجاه سلطنتی خاندان پهلوی و سایر اعمال امپریالیسم به جان آمده بودند، برای آن به حرکت آمده و قیام کردند که آن نظام ننگین خودکامه را براندازند و نظامی بر خاسته از آزادی و مدافع آزادی برقرار کنند.

پس از پیروزی انقلاب، طبقات بهره‌کش و گروه‌های سیاسی بیانگر منافع این طبقات کوشیدند تا شعار آزادی را نه آنچنان که توده مردم می‌خواستند، بلکه آنچنان که منافع ننگ طبقاتی آن‌ها ایجاب می‌کند تعبیر و اجرا کنند؛ سازشکاران و تسلیم‌طلبان لیبرال کلمه آزادی را برای فریب مردم به کار برده و به معنای آزادی منحرف‌کردن جمهوری اسلامی ایران به سوی سازش با امپریالیسم جهانی گرفتند و سرمایه‌داران غارتگر به معنای آزادی انباشت و کاربرد آزاد سرمایه و آزادی بهره‌کشی از کارگران و زحمتکشان و آزادی غارت بی‌بندوبار تلقی کردند، تنگ‌نگران و خودمحوان آزادی را فقط برای خود به قصد سرکوب "دگراندیشان" و تحمیل نظر خود طلب نمودند.

تنها نیروهای راستین انقلاب، چه در صفوف مبارزان مسلمان و چه در صفوف پیروان راستین سوسیالیسم علمی، شعار آزادی را به معنای واقعی که توده مردم می‌خواستند و می‌خواهند درک کرده و برای استقرار آن رزمیدند. این نیروهای انقلابی راستین که با تمام نیرو از ابعاد استقلال‌طلبانه، آزادمنشانه و عدالت‌خواهانه خط امام خمینی پشتیبانی می‌کنند، آزادی را برای توده‌های ده‌ها میلیونی کوچ‌نشین، محرومان، مستضعفان، و یا با کلامی دیگر، برای

زحمتکشان شهرو روستا، می‌خواهند. آن آزادی که ما پیوندگان راه توده‌های محروم برایش مبارزه می‌کنیم، از نوعی است که توده‌های زحمتکش میهن ما، به‌ویژه در دوران استبداد سیاه آریامهری، از آن محروم بوده‌اند، یعنی آزاد شدن از غارتگری جیاول‌گران، آزاد شدن از یوغ اسارت سیاسی و فرهنگی نظام استبدادی وابسته به استعمارنو، آزادی از ترس و دلهره، دائمی به مناسبت داشتن این یا آن اندیشه، اجتماعی، آزادی از بردگی و بندگی، آزادی از گرسنگی، رهائی از بیماری‌ها، آزادی از بی‌خانگی، آزادی از بی‌فرهنگی، آزادی از ستم و محرومیت‌های ملی.

ما با اعتقاد راسخ به حقانیت توده‌های زحمتکش، که ایجادگران همه ارزش‌های واقعی جامعه هستند، برآنیم که تامین آزادی‌های واقعی برای این توده‌های ددها میلیونی، خواه ناخواه با محدودیت‌هایی برای "آزادی" مورد خواست طبقاتی که موجودیتشان بر پایه محرومیت این توده‌ها استوار است، توأم خواهد بود. بدون کوتاه کردن دست غارتگران از غارت و جیاول نمی‌توان توده‌ها را از غارت شدن آزاد کرد.

بدین سان، مبارزه در راه تامین آزادی برای توده‌های ددها میلیونی، جبرا با سرکوب آمیخته با دیر، ضدانقلاب، با قطع همه ریشه‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی تسلط غارتگران خارجی، یعنی امپریالیسم جهانی، با انجام زدن به همه خودمحوران و سگ‌گران و قهری‌گرایان، که برای سایر انقلابیون حقی‌فائل هستند و می‌کوشند تا زورمداری را حاکمیت آزادی برای توده‌ها سازند، همراه خواهند بود. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول ارزنده و بسیار مهمی در زمینه تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی تثبیت شده‌اند. اهم خمینی، رهبرانقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، هم بارها و بارها ضرورت این اهمیت رعایت این آزادی‌ها را برای همه، کسانی که قصد توطئه برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را نداشته‌اند، تاکید کرده‌اند.

ولی باکمال تأسف جریان اوضاع در کشور ما بحث بزرگی از نکات تصریح شده در قانون اساسی را در زمینه آزادی‌های فردی و اجتماعی، به حال تعطیل درآورده است. بخش قابل توجهی از نیروهای راستین انقلاب، که با تمام نیروی خود در مبارزه برای تثبیت و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمندان، در مبارزه برای درهم‌کوبیدن توطئه‌های رنگارنگ دشمنان انقلاب به سرکردگی آمریکا، در مبارزه برای اتحاد همه نیروهای راستین هوادار انقلاب گام برداشته و برمی‌دارند، از بسیاری از آزادی‌های قانونی محرومند. افراد غیرمسئول، بنا دستکاری گروه‌های غیرقانونی اعمال فشار، دفاتر احزاب و گروه‌های سیاسی را غارت می‌کنند، از فعالیت آنان جلوگیری می‌کنند، به کتابفروشی‌ها هجوم می‌برند، کتابسوزان راه می‌اندازند و از این راه، جو ترس و وحشت را جایگزین آزادی تصریح شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌کنند.

با بهره‌گیری از همین جو ناسالم است که عناصر وابسته به ضدانقلاب و نیروهای براندازی، با گذاشتن نقاب ریا و بروبر و داشتن ریش و تسبیح، مانند

کشمیری‌ها و کلاهی‌ها و فخارزاده‌ها، نه تنها در نهادهای انقلابی و دستگاه دولتی، بلکه در رسانه‌های گروهی و برخی شرکات منتسب به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز، خود را جا زده‌اند و با آزادی کامل در سم‌پاشی و نقاشی افکنی جنبه پایداری نیروهای انقلابی راستین را در برابر ضدانقلاب ناتوان می‌کنند. کارگران و دیگر رحمتکشان شهر و روستا، مانند دهقانان، آموزگاران و پرستاران و غیره، از تشکیل سازمان‌های صنفی، که بعنوان حق مسلم آنان در قانون اساسی ثبت شده‌است، محروم‌اند. ولی در عوض کلان سرمایه‌داران و واسطه‌ها با آزادی کم نظیری به غارت وحشیانه ثروت‌های ملی و محصول کار رحمتکشان مشغولند. گروه‌های فشار، نظیر گروه "حجته" در سراسر کشور، و گروه "شیت" در غرب کشور و نظایر آن‌ها در دیگر نقاط، با تظاهر افراطی به مذهب، هم‌چنان مردم را از ابتدائی‌ترین آزادی‌هایی که نه به جامعه و نه به هیچ فردی صدمه می‌زند، محروم می‌سازند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مسئولیت بدایش این وضع را، که بصورت یکی از سرچشمه‌های جدی تهدید برای روند تثبیت و تحکیم انقلاب درآمده‌است، در درجه اول متوجه طیف پهن‌تر جنبه متحد ضد-انقلاب و پس از آن متوجه عناصر و گروه‌های افراطی راست‌در جاکمیت و با در کنار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران و عناصر و گروه‌های افراطی "چپ" در جامعه، می‌دانند.

جنبه متحد ضدانقلاب بزرگترین دشمن گسترش آزادی‌های مردمی و توده‌ای در جامعه انقلابی ما است. این جنبه در عین آنکه فریادهای طرفداری از آزادی‌اش گوش همه را کر کرده، در واقع خواهان آزادی برای فعالیت ضدانقلاب، یعنی فعالیت آزاد برای براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران است. "آزادی" موردعلاقه ساواکی‌ها، بختیار، اویسی، لیب‌ال‌ها، قطب‌زاده‌ها، بسی‌صدها از این قماش است. آنها خواهان "آزادی" برای تدارک کودتای بوزه، "آزادی" برای خرابکاری در موسسات اقتصادی، "آزادی" برای سازش با امیرالیمس آمریکا و اروپای غربی و ژاپن، "آزادی" برای همکاری با حکومت‌های مرتجع و وابسته منطقه و بالاخره "آزادی" برای سرکوب نیروهای راستین صدامیرالیمستی و مردمی - اعم از بیروان خط امام خمینی و یا بیروان موسالیمس علمی، هستند. جنبه متحد ضدانقلاب از این تاکتیک‌پرورانه خود، یعنی فریادکشیدن برای "آزادی" از یکسو و تلاش برای ایجاد محیط عدم شائب، با توسل به همه اقدامات جنایتکارانه - از ترور مسئولان گرفته تا آتش‌زدن خزین‌ها، تخریب کارخانه‌ها، فلج‌کردن اقتصاد کشور، ترویج گرانی، بی‌اعتمادی و غیره - از سوی دیگر، دو هدف را دنبال می‌کند: نخست اینکه، با این اقدامات آنقدر حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را ناتوان کند، تا بتواند آن را براندازد و راه را برای بد قدرت رسیدن "دولت مانعروبی" باطنع آمریکا هموار سازد، دوم اینکه اثر عملا این هدف دست‌برده‌شده باشد، از راه کنار مسئولان واقع بین، راه را برای بد قدرت رسیدن جناح راست افراطی در حاکمیت، هموار کند. جنبه متحد ضد-

انقلاب ابدوار است که اقدامات این جناح راست افراطی، با سرعت و شدت مردم را ناراضی کند و بطور غیرمستقیم محیط را برای توطئه‌های دشمنان جمهوری اسلامی ایران آماده سازد.

رهبری "سازمان مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌رو، که روزگاری از آزادی برای توده‌های مردم، آزادی برای پاره‌کردن بندهای اسارت ملی و طبقاتی دم می‌زدند، به این خیل ننگین "آزادبخوانان"، که در حقیقت گورکنان آزادی هستند، پیوسته و پیروان گمراه‌شده خویش را به ابرار توطئه‌های خانمان‌برانداز ضدانقلابی حبه متجد ضدانقلاب مبدل کرده‌است. نتیجه عملی فعالیت این نیرو همین است که امروز شاهدش هستیم. هر هفته، در خیابان‌های شهرهای ایران و در زندان‌ها، ده‌ها و گاه صدها جوان باست آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، از سان گمراه‌شده‌گان کشته می‌شوند و جسدین نفر از مبارزان راستین راه انقلاب ترور می‌شوند. ساواکی‌ها و ضدانقلابیون حرفه‌ای و سلطنت‌طلبان و لبرال‌ها و ستون‌نجم مائوئیستی آمریکا در کنار این معرکه خون‌آلود پایکوبی می‌کنند. هم‌اکنون از یکسو صدها نفر از مسئولان درجه اول جمهوری و بسیاری از مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی جان خود را از دست داده‌اند و از سوی دیگر بیش از یک هزار و پانصد نفر اعدام شده‌اند. ما بار دیگر تاکید می‌کنیم که پیروان انقلاب و جمهوری اسلامی است که حساب رهبران را از هواداران نوجوان گمراه‌کنند. خلق حق دارد و باید دشمنان سوگند خورده انقلاب، حائسین به خلق و گویختگان به آغوش امپریالیسم را بدون کوچکترین ملاحظات سرکوب کند. در همین حال باید با اتخاذ سیاست ارتدادی شرایطی فراهم آورد که نوجوانان و همراهانی که خود عامل اصلی راهی که رفته‌اند نیستند، به آغوش انقلاب بازگردند. ضرورت کاملاً مبهم انقلاب است که از اقدام‌های عجولانه و ناسمجیده مطلقاً احتیاج شود و موازین حقوقی و قانونی در مورد متهمین مراعات گردد. احکام اقدام کسانی که به اشتباه خودی می‌برند و برای دفاع از مردم و انقلاب و شرکت در پیکار ضد امپریالیسمی اعلام آمادگی می‌کنند معوق نماند تا در زندان به آنان فرصت داده شود که بر این راهی که رفته‌اند و وظایفی که در پیش دارند بیشتر بیاندیشند و صداقت خود را عملاً به اثبات رسانند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) اطمینان دارند که بایستی مقامات انتظامی و قضائی به اطلاعات ده ماده‌ای دادستان کل انقلاب درباره آزادی فعالیت احزاب و گروه‌هایی که تأمین اساسی را محترم می‌شمارند کاملاً سیاسی بسیار مهمی است در جهت بازگرداندن آرایش تنگی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه.

بنا اطمینان داریم که حسن انجام مهم سیاسی، یعنی بزرگی لوگومراخان را از حیانتکاران اصلاح‌آیدم و همچنین از ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان و حائسین حرفه‌ای جدا خواهد کرد و کفر افکار ایدئولوژیکی و وحشت از برکت، بطور مطلق به ترویج و سرکوب خواهد کرد. حائسین به زندگی عینه سیاسی و اجتماعی باز خواهند آمد.

اطمینان داشته باشیم که سطح تکامل جامعه ایران و درجه بلوغ فکری نیروهای انقلاب در پیوند با اهداف و شعارهای اساسی انقلاب تنوع و چندگانگی عقاید و افکار نیروهای مدافع انقلاب را گریزناپذیر ساخته است. این تصور که هم می توان انقلاب را حفظ کرد و عمیق تر کرد و هم حق دفاع از آن را از بخش مهمی از نیروهای انقلابی سلب نمود، اشتباه بزرگی است و تلاش در پیاده کردن چنین برداشتی عملاً به زیان انقلاب و سود دشمنان آن تمام خواهد شد.

تاریخ جامعه بشری از بردگی تا امروز نشان داده است که نه با ترور و کشتار نه با اعدام و زندان، هر اندازه هم برداشته نمی توان اعتقاداتی را که در مغزها جای گرفته اند، نابود کرد. افکاری که در مغزها جای گرفته اند اگر نادرست باشند، تنها از راه ارشاد و اقناع جای خود را به افکار و اعتقادات درست می دهند.

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) آن عده از "مجاهدین خلق" و "چریک های اقلیت" و نظائرشان را، که هنوز صادقانه هوادار آماج های ضدامپریالیستی، آزادخواهانه و مردمی انقلاب میهن ما هستند، مخاطب قرار می دهند و با یادآوری مسئولیت سنگین تاریخی که بر دوش دارند، از آنها می طلبد که بدون درنگ، با پندگرفتن از گام جسورانه همزمشان سعادت بی تمام نیروی خود را برای خنثی کردن خیانت رهبران خود و پایان بخشیدن به این فحاح به کار آورند.

به نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) سود ادامه این برخوردها تنها و تنها به کیسه ارتجاع و ضدانقلاب داخلی و امپریالیست های خونخوار حامی آنان سرازیر می شود و زبان های حیران ناپذیر آن، مانند آواری به سر محرومان، زنان و مردان آزاده جامعه ما فرو خواهد ریخت.

اتباعه ترور ضدانقلابی یک نقشه شوم امپریالیستی برای تضعیف نیروهای ضدامپریالیستی است، مجری این نقشه باید نشوید. رجوی ها و خیابانی ها با محافل ارتجاعی و عناصر طرفدار سرمایه دارها و فئودال ها ساخته اند، آنها به انقلاب و به خلق ما خیانت کرده اند، آنها را از خود برانید. بدانید که این جمهوری با وجود همه نارسائی ها و کمبودهایش در تمام دوران موجودیتش و بویژه در ماه های اخیر ضربات دردناکی بر امپریالیسم وارد آورده است.

ارزیابی های نادرست را از فکر خود بیرون کنید، تسلیقات امپریالیستی را باور نکنید که می گویند رژیم در حال سقوط است. حصار فکری را که سازمان هایتان با تحریم همه رسانه های گروهی ضدامپریالیستی بدور ذهن شما کشیده اند، بشکنید حرف های سعادت بی تکبار دیگر بخواهید. همه سخنان را بشنوید و نیکوترین آنها را برگزینید. ارزیابی ها و نظرات خود را بر نارسائی ها و کمبودها و اشتباهات بخشی از حاکمیت استوار نکنید. صدمت با امپریالیسم و تلاش برای لحام زدن به غارتگری بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران را صدمت قرار دهید. امپریالیست ها و مرتجعین همگی خط مشی مجاهدین را می ساینند و از رجوی حمایت می کنند. تمام کشورهای شرقی و انقلابی از جمهوری اسلامی ایران در

برابر نوطه‌ها و تجاوزات امپریالیستی حمایت می‌کند .
تجربه تمام جنبش‌های انقلابی نشان می‌دهد که ادامه دشمنی با نیروهای
که با امپریالیسم می‌ستیزند ، بلااستثنا و بدون تردید به همدستی با امپریالیست‌ها
کشیده می‌شود و هر چه آن دشمنی کینه‌توزانه‌تر باشد این همدستی ساگر برترودر
عین حال مخلصانه‌تر خواهد شد . آیا سرنوشت غمبار مائو و دارودسته‌اش هنوز
هم برای شما درس عبرت نیست؟

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برای همه مبارزان
راستین راه انقلاب ایران غلبه بر اشتباهات و خودمحوری‌ها را آرزو می‌کنند و
آنان را فرا می‌خوانند که با تمام نیرو در بازگرداندن آرامش متکی به قانون و
عدالت اجتماعی تلاش کنند و با این تلاش راه را برای اتحاد هر چه وسیع‌تر
نیروهای خلق ، نیروهای هوادار انقلاب هموار سازند . ما آرزو می‌کنیم شرایطی
فراهم آید که همه نیروهای ضدامپریالیستی بجای آنکه بروی یکدیگر سلاح بکشند
و برای قتل یکدیگر تصمیم بگیرند ، توان آنرا بیابند که مسایل خود را با یکدیگر
از طریق انتقاد خلاق حل‌کنند و جنبه خلق را متحدتر سازند ، ما برای فراهم
آوردن چنین فضایی از هیچ کوششی دریغ نخواهیم کرد .

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) همه نیروهای
راستین انقلاب را مخاطب قرار می‌دهند و از آنها می‌طلبند تا تمام نیروی خود را
برای پایان بخشیدن به این فجاج خونین که بدون تردید از طرف دشمنان
انقلاب ایران به سرکردگی آمریکا به جامعه رنج‌دیده میهن ما تحمیل شده‌است ،
بکار اندازند .

به‌منظر ما تنها و یگانه راه جیره‌شدن بر این وضع دردناک بازگرداندن آرامش
متکی به قانون و عدالت اجتماعی به جامعه است .
ما یکبار دیگر پیشنهادهای خود را تکرار می‌کنیم و امیدواریم که مورد توجه
مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد .

ما پیشنهاد می‌کنیم صدور حکم اعدام از طرف دادگاه‌های انقلاب برای کلیه
اعضا و هواداران سازمان‌های چپ‌رو ، که مستقیماً در عملیات مسلحانه و
خرابکاری‌های انجام شده دخالت و مشارکت نداشته‌اند ، متوقف گردد و از سوی
دادستان کل انقلاب به این گونه افراد اطمینان داده‌شود که در آینده هم ، در
صورت عدم شرکت در جنایات یادآوری شده ، محکوم به اعدام نخواهند شد ، و
در صورت فاصله گرفتن از اقدامات تروریستی و عملیات خرابکاری و محکوم کردن
آن ، می‌توانند در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به فعالیت
سیاسی قانونی بپردازند .

ج. عدالت اجتماعی

انقلاب ایران رژیمی را سرنگون کرد که در نوع خود در جهان کم‌ظنیر بود .

سیاد نظام آریامهری را حاکمیت بی‌سودبار و غارتگرانه اتحاد شوم و جایت‌بار امپریالیست‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی با کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، به سرکردگی خاندان فاسد بهلوی، تشکیل می‌داد. در جامعه آریامهری دره‌مان زندگی نوده‌های ده‌ها میلسوسی محرومان شهر و روستا و اقشار ممتاز جامعه و کارگران و دست‌اراستان چنان زرف بود که در سراسر جهان به رحمت می‌شد نظری برای آن یافت. درآمد ماهیانه یک آموزگار و یا یک کارگر ساده حدود ۱۵۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان بود. درحالی که درآمد یک سرمایه‌دار کلان بازار از سالی صدها میلیون تومان تجاوز می‌کرد.

سطح درآمد روستائیان سی‌رزمین و کم‌زمین از این هم پائین‌تر بود. طبق آمارهای دقیق، میانگین درآمد ماهیانه خانوارهای کم‌درآمد روستایی حدود ۵۰۰ تومان در ماه بود، و آن هم در وضعی که تنها درآمد خالص سالیانه نفت نزدیک به ۲۵ میلیارد دلار نده بود و این ثروت عظیم را انحصارهای امپریالیستی تولید کننده جنگ‌افزار و اتومبیل و اسباب‌لوکس و وسائل مصرفی، با همدستی خاندان بهلوی و کلان سرمایه‌داران ایرانی و ساواکی‌های محافظ‌آنها و فرماندهان ارتش و دیگر نیروهای مسلح و مأموران بلندپایه دولت آریامهری، به تناسب مقام بین خود تقسیم می‌کردند.

انقلاب شکوهمند سپهر ما این نظام را سرنگون ساخت. نوده‌های ده‌ها میلسوسی رحمندگان شهر و روستا، که این انقلاب را به پیروزی رساندند، احام دگرگونی‌های بنیادی را در جهت تأمین عدالت اجتماعی، یعنی پایان بخشیدن به غارت غارتگران و انگل‌ها و به‌کار انداختن ثروت‌های ملی و محصول کار مردم برای بالا بردن رفاه عمومی، بهداشت عمومی و آموزش عمومی، به عنوان یکی از ۳ آماج اصلی انقلاب و ۳ وظیفه درجه اول حاکمیت انقلابی، اجرا می‌کنند.

اکنون پس از گذشت دو سال و نیم از انقلاب، با قاطعیت می‌توان اعلام کرد: علیرغم کامیابی‌های چشمگیری که در جهت محدود ساختن غارتگری کلان جیاولگران امپریالیستی و خودی احام گرفته، در زمینه بهبود شرایط زندگی نوده‌های ده‌ها میلسوسی رحمندگان گام موثر و دگرگون‌کننده‌ای برداشته نشده است. کاملاً درست بود که شهید رجائی به این محرومان می‌گفت:

"ما هم باید فریاد بزنیم: رجائی! مستضعفین هیچ چیز گستران نیامده."

"ما نگران آن بخش عظیم از اسلام هستیم که باید پیاده شود. ما نگران آن هستیم که نتوانستیم مستضعفین ایران را هنوز بهشان برسیم. هنوز نتوانستیم بر مسئولیتی که عاز می‌خواستیم بگوئیم که نماز شرایطی دارد که تو در این وضع آن شرایط را نداری."

از روزنامه جمهوری اسلامی

۲۳ شهریور ۱۳۶۰

این اعتراف صادقانه را با گزارش شهیدان سجایی، رئیس کمیسیون بودجه و

سازمان برنامه مجلس شورای اسلامی (۱۷ فروردین ۱۳۶۰) در مجلس، کنار هم بگذاریم :

"بخش خصوصی بدون استثنا سود برده است. به اعتراف خودشان در بحث تجارت ... به خود بنده گفتند سودی را که در این دو ساله بخش تجارت برده است، در تاریخ ایران نظیر نداشته است.

پارچه به ۳ برابر قیمت تمام شده به مصرف کننده فروخته شده است. سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبار به بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت چیزی در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است. در بخش

کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برده است. برای مثال کارخانجات نساجی چه کار کرده است. مثال خوبی تمام شده اش، بانام افزایشی که در نرخ بند است. حدود متری ۶۵ ریال می شود. لیکن تمام کارخانجات نساجی

مثال را به متری ۱۷۰ ریال به بنگدارها فروخته و آنها سر به مصرف کننده تا متری ۲۳۰ ریال. یک سازمان عام نامش را انجمن اتحاد اسلامی که این اسم را رویت گذاشته الیاف مصنوعی را تا متری ۶۵ ریال وارد می کند و در بازار کیلویی

۱۸۰ ریال عرضه می کند. پیامد این غارتگری بی بندوبار، گرانی سرسام آور است که مانند گایوس بر کرده دهها میلیون رخصتش کم درآمد جامعه ما فشار می آورد. این فشار هر روز سنگین تر و طاقت فرسایر می شود.

اقدامات جداگانه دولت در زمینه مبارزه با این پدیده دردآور، در عین اینکه درست و مورد پشتیبانی است، ولی قطره ای است در دریا و همبظور است مسئله مسکن، مسئله بهداشت ...

علی رغم خدمات گرانیهایی که برخی نهادهای انقلابی، مانند جهاد سازندگی، در جهت کمک رسانی به عقب افتاده ترین بخش جامعه ما، یعنی روستاها انجام داده و می دهند، هنوز بزرگ مالکان و خانها اختاپوس وار بر اکثر روستاهای ایران جنگ انداخته، بر حیات روستا حکومت می کنند و با جازدن عناصر وابسته به خود در برخی نهادهای انقلابی، از رسیدن نسیم انقلاب اجتماعی به روستا جلوگیری می کنند.

چنین است گوشه هایی از آنچه که در دو سال و نیم گذشته در زمینه تامین عدالت اجتماعی انجام نگرفته، و یا بهتر بگوییم، هنوز دست نخورده مانده است. حاکمیت نمایندگان سیاسی سرمایه داری بصورت دولت موقت و بازارگانها و ایردیها و صدرها و صاعغانها و پس از آن بی صدرها و نوبیریها بر سیاست اقتصادی ایران، شرایط را نه تنها برای ادامه غارتگری رالوهای خون آشام اجتماعی، بلکه برای شدید بی بندوبار این غارتگری آماده می ساخت. غارتگران

اجتماعی، یعنی کلان سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکان، با بهره‌گیری از دشواری‌های ناشی از فشار اقتصادی و نظامی حامیان امپریالیستی‌شان و با حمایت روحانیت وابسته به طبقات غارتگر، با جنگ و دندنان از هرگونه اقدام قاطع در زمینه تأمین عدالت اجتماعی جلوگیری می‌کنند.

علاوه بر این، مردم انقلابی ایران بسیاری از خواست‌های خود را در زمینه تأمین عدالت اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تثبیت کردند، در راه اجرای این مواد بسیار مهم از قانون اساسی - اصول ۴۴ - ۴۹ - و ایجاد شرایط لازم برای پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان ... هنوز گامی برداشته نشده است.

بنظر ما سرنوشت انقلاب شکوهمند میهن ما در گرو این تحول سرنوشت‌ساز انقلاب است. حاکمیت جمهوری اسلامی ایران باید برای درهم شکستن همه توطئه‌های جبهه متحد ضدانقلاب، که می‌کوشد توده‌های میلیونی زحمتکشان را از انقلاب ناامید سازد، به این خواست برحق محرومان، یعنی پیاده کردن اصول قانون اساسی در زمینه تأمین عدالت اجتماعی، جامه عمل بپوشاند.

باید با خارج ساختن شریان‌های اقتصادی از دست غارتگران سرمایه‌دار، و سپردن آن به بخش دولتی و تعاونی‌های واقعی تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، یعنی با تقویت همه جانبه بخش دولتی و تعاونی و محدود ساختن و کنترل دقیق بخش خصوصی، نظام اقتصادی آریا‌صهری را از بنیاد دگرگون ساخت.

همان‌گونه که تجربه نشان داده است، با شلاق زدن و جریمه گرفتن و یک ماه تبعید کردن کاری از پیش نمی‌رود، و نیز ارشاد و تحریک بشردوستی و نوع پروری هم در سرمایه‌دار زالوصفت تأثیری ندارد. او به این ارشاد می‌خندد، شلاق را می‌خورد، جریمه را می‌پردازد، ولی از همان فردا و یا حداکثر پس از بازگشت از یک ماه استراحت اجباری، نه تنها چند برابر جریمه‌های پرداخت شده، بلکه چندین برابر "حق‌الدرد" شلاق‌ها را هم از جیب مصرف‌کنندگان بیرون می‌کشد. یگانه راه، برقراری یک سیستم دولتی و تعاونی، تدارک و توزیع کالاهای ضروری و محدود نگاه‌داشتن بخش خصوصی در چارچوب مقررات بخش دولتی و تعاونی است. این تنها شیوه‌ای است که در دهها و دهها کشور دیگر، که در وضعی نظیر کشور ما بوده‌اند، موفقیت داشته است.

باید با برقراری هرچه سریع‌تر و ریشه‌دوارتر یک سیستم مالیاتی مستقیم بر درآمدها، امکان تراکم بی‌سندوبار ثروت و سرمایه را از زالوها گرفت. باید اصل ۴۹ قانون اساسی را همه‌جانبه و قاطع به اجرا درآورد و ثروت بی‌سابقه‌ای را که در دست غارتگران گرد آمده، از آنان بازساند و از راه واریز آنها به صندوق دولت و صرف آنها در جهت تأمین خواست‌های حیاتی مردم زحمتکش، به صاحبان اصلی‌اش رسانید.

باید آنچه را که شهید دکتر باهنر هنگام تقدیم برنامه دولت خود به مجلس در زمینه لزوم اجرای مواد قانون اساسی در مورد تعیین حدود مالکیت مشروع و عادلانه بیان داشت، هرچه زودتر عملی ساخت.

باید مسئله تامین مسکن را جدی گرفت و با برنامه‌های فوری و درازمدت ، گام اساسی در این راه برداشت . همین‌طور است مسئله تامین بهداشت عمومی برای محرومان ، که باکمال تأسف در قیاس با روزهای نخستین پیروزی انقلاب ، نه تنها هنوز هیچگونه بهبود محسوس پیدا نکرده ، بلکه بطور محسوس بدتر شده است . فداکاری و گذشت قابل‌ستایش گروهی از پزشکان و کارکنان معهد به انقلاب در بخش درمان و بهداشت نتوانسته و نمی‌تواند بر دشواری‌های ناشی از عقب‌افتادگی دهشت‌آور در این زمینه ، جیره شود .

اختیاراتی که امام خمینی در پاسخ نامه رئیس مجلس شورای اسلامی به مورخ ۱۳۶۰/۷/۱۹ به نمایندگان مجلس داده ، امکانات فراوانی برای اتخاذ تصمیمات قانونی در جهت تامین عدالت اجتماعی فراهم کرده‌است . با این پاسخ امام ، دشواری‌های شبه‌قانونی که در برابر اجرای تمام و کمال اصول یادشده قانون اساسی ، انجام تحول بنیادی در عرصه اجتماعی و تامین خواست‌های زحمتکشان وجود داشته ، از میان برداشته شده‌است . اینک بعهده مجلس شورای اسلامی است که از این اختیارات به بهترین وجه بهره گیرد .

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از هرگام مثبتی که در این سمت برداشته شود پشتیبانی خواهند کرد .

عدالت اجتماعی در زمینه حقوق زنان

زنان میهن ما و بویژه زنان طبقات محروم جامعه سهم بسیار بزرگی در پیروزی انقلاب و در روند تثبیت و تحکیم آن داشته و دارند . امام خمینی رهبر انقلاب بارها اهمیت سارزه زنان برای تحقق آرمان‌های انقلاب را یادآوری کرده‌اند . زنان جامعه ، علاوه بر همه محرومیت‌های اجتماعی که گریبانگیر همه زحمتکشان میهن ما از زن و مرد است بار محرومیت‌های اضافی دیگری را نیز بعنوان " زن " در جامعه بر دوش دارند و در بسیاری از زمینه‌های حقوقی و خانوادگی و کار بعنوان افراد " درجه دوم " زیر فشار آداب و رسوم کهنه و فواین و مقررات گوناگون که نافی اصل برابری حقوق زنان با مردان در زندگی اجتماعی هستند فرار دارند که دست‌وپای آنان را برای شرکت فعال در همه زمینه‌های کار سازندگی جامعه به زنجیر کشیده‌اند .

زنان نمی‌توانند از ملت ما را تشکیل می‌دهند و بدون شرکت فعال آنان در سازندگی جامعه نویسنده پیشرفت اجتماعی بسیار کند خواهد بود .

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواستار آنند که دولت جمهوری اسلامی ایران با توجه به سنگینی عدالت یزوهانه قانون اساسی همه امکانات لازم را فراهم آورد برای آنکه زنان جامعه ما بتوانند در همه زمینه‌های فعالیت اجتماعی - در میدان کار و فعالیت‌های سازندگی ، در کار تربیت کودکان و تبدیل خانواده به کانون محبت و احترام متقابل از همه حقوق سکنی بر عدالت اجتماعی برخوردار گردند .

عدالت اجتماعی و حقوق ملی خلق های غیرفارسی

کشور ما کشوری است کثیرالمله که در آن از چندهاسال به این سو خلق های فارس، آذربایجانی، کرد، سرکن، بلوچ و عرب دریک اتحاد برادرانه و برای آماج های مشترک اجتماعی و انسانی درجهت بدست آوردن آزادی و استقلال و عدالت اجتماعی و ساختن سپه واحدشان در تلاشند. ولی غلبه این تلاش مشترک در دوران سلطه نظام جابرانه طبقات غارتگر وابسته به امپریالیسم خلق های غیرفارس جامعه ما علاوه بر بار محرومیت های ناشی از سلطه استعمار و استعمار و غارتگری حمایت بار طبقات خاکمه بار سگن محرومیت های ملی را بدون کشیده اند و از هرگونه حقوق ملی و زمینه فرهنگی و خودگردانی محروم بوده اند.

محرومیت های ملی صرف نظر از اینکه در دروان های معینی امپریالیسم و ارتجاع داخلی توانسته اند این محرومیت ها را پایه ای برای تحریکات خود قرار دهند یک واقعیت عسی جامعه ما است.

سپام تاریخی امام خمینی به خلق کرد نمایانگر شناخت واقعی این محرومیت و لزوم پایاد کردن به آن است.

جذب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این عقیده اند که تنها با برانداختن ستم خلقی فم پرسیاست بر خلق های غیرفارس اعمال شده است و تامین حقوق نصیب شده آنها در خارج و "خودگردانی" و "ما" خود-مختاری فرهنگی و اداری می توان عوامل تحریک و تشج را اردستان انقلاب گرفت و اتحاد داوطلبانه و صادفانه همه خلق های ایران را بر اساس دوستی و حقوق برابری تامین نمود. اتحادی که بدون تردید، یکی از مهمترین عناصر ثبات جامعه انقلابی ما و کامیابی اش در سرد غلبه دشمنان داخلی و خارجی به سرکردگی امپریالیسم حاینکار آمریکاست.

نگاهی به واقعیت های حاکم بر جامعه کنونی، مارا بادشواری های بسیاری که در برابر روند تسبی و تحکیم و گسترش انقلاب شکوهمند سپه عزیزمان قد علم کرده اند، آشنا می سازد. خیره شدن بر این دشواری ها مسلما کار آسانی نیست، ولی انقلاب ما، هم در درون کشور و هم در میدان سرد جهانی علیه امپریالیسم و ارتجاع، از جنان سیروها و امکانات بالفعل و بالقوه ای برخوردار است که می تواند، در صورت بهره گیری عقلانی از آنها، همه دشواری ها را از سر راه خود بردارد. یکی از عمده ترین این سیروها و امکانات، گنجه عظیم تحارب خلق های محروم جهان در سردهای بزرگ خویش برای به پیروزی رساندن انقلاب های مردمی است.

بدون تردید انقلاب شکوهمند سپه ما دارای ارزش های والایی است که ما به حق بهره گیری از آنها را به دیگر خلق های محروم توصیه می کنیم. ولی تصور این

که تنها با تکیه بر این ارزش‌ها، و بدون بهره‌گیری از تجربه دیگر خلق‌ها ما در همه زمینه‌ها بهتر و درست‌تر از همه دیگر خلق‌ها بر دشواری‌ها چیره خواهیم شد، می‌تواند موانع حادی در راه برانداختن دشواری‌های انقلاب ایجاد کند. با کمال تأسف این شیوه برخورد زبان‌آور اکنون در بخش چشمگیری از مبارزان راه انقلاب و حتی در بخشی از مسئولان حاکمیت جمهوری اسلامی ایران چشم می‌خورد.

واقعیت این است که پیش از ما خلق‌های بسیاری برای ریشه‌کن ساختن نظام‌های یوشیده جنایت‌بار و غارتگر قیام کرده، انقلاب خود را به پیروزی رسانده، آن را تثبیت و تحکیم بخشیده و گسترش داده‌اند، و پس از ما نیز بدون تردید خلق‌های دیگری به جسس پیروزی‌ها دست خواهند یافت. و هر یک از این خلق‌ها ارزش‌های والای تازه‌ای به گنجینه بیکار تاریخی انقلابی مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی خواهند افزود. ما باید در همه میدان‌های سرد اجتماعی و ویژه در سرد برای انجام دگرگونی‌های بنیادی سود محرومان، از نجارب گرانسپای سایر خلق‌ها بهره‌گیری کنیم. این یک واقعیت تاریخی بارها آزمون‌شده‌ای است، که برپاداشتن یک نظام نو و متکی به عدالت اجتماعی بر ویرانه‌های یک نظام حایرانه سرنگون‌شده، ده‌ها بار دشوارتر و بفرنج‌تر از براندازی نظام کهنه است.

پیام ماه همه نیروهای راستین هواداران انقلاب

خواهران و برادران و هم‌برادران ارجمند
پیام ما به شماست :

به شما مسلمانان پیرو راستین امام خمینی در حاکمیت و خارج از آن که در برابر توطئه‌های امپریالیسم اسوار استاده‌اید و با هرگونه مسخ محتوای واقعی انقلاب شکوهمند ایران مبارزه می‌کنید :

به شما زحمتکشان و صیبن‌دوستانی که در راه بپا دکردن محتوای مردمی قانون اساسی، در راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزمید ؛
به شما خلق‌های محروم و ستمدیده ایران که در انقلاب شکوهمندمان، آرزوهای حق طلبانه خود را منعکس می‌نمایند.

پیام ما به همه احزاب، سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی - اجتماعی ضد - امپریالیستی و مردمی ایران - از هر مسلک و عقیده‌ای است.

پیام ما، سیر به شما هواداران راه‌گم‌کرده "مجاهدین خلق" و دیگر گروه‌های چپ‌روی است که سبب خیانت برخی از رهبران و اشتباهات برخی دیگر، از جاده انقلاب به کنار افتاده‌اید.

پیام ما به همه شماست .

باید دست در دست هم بزرگترین توطئه دشمنان انقلاب ایران، یعنی

توطئه ایجاد نفاق و چنددستگی را در هم شکستیم و جنبه متحد دفاع از انقلاب
شکوه‌مندان را تشکیل دهیم و همه نیروهای هوادار استقلال، آزادی و عدالت
اجتماعی را در یک سنگر واحد گردآوریم.

هموطنان، برادران و خواهران هم‌زم!

بباید با اتحاد و اتفاق تاریخی خود جنبه نیرومند و شکست‌ناپذیر دفاع از
جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر دشمنان یلید آن را سازمان دهیم و
طومار همه توطئه‌های کنونی و آینده آنها را در هم پیچیم!

مردم زحمتکش میهن‌مادست در دست هم و با اتحادی کم‌نظیر نظام
استبداد سلطنتی وابسته به امپریالیسم را برانداخته، نظام جمهوری اسلامی
برقرار کرده‌اند به این امید که این جمهوری آرزوی دیرینه آنان یعنی استقلال،
آزادی، عدالت اجتماعی را تأمین کند. انقلاب شکوهمند این مردم زحمتکش در
یکی از مهم‌ترین مناطق استراتژیک جهان، که شریان زندگی امپریالیسم جهانی
از آن می‌گذرد، ضربه کاری و حیوان‌ناپذیری بر تمام سیستم تسلط خائزانه و
غارتگرانه امپریالیسم جهانی وارد آورد و به همین جهت از همان نخستین
روزهای اوجگیری خود، شدیدترین کین این دشمنان جامعه بشری را علیه خود
برانگیخت. امپریالیسم و ارجاع جهانی، به سرکردگی آمریکا، تا روزی که هنوز
بعنوان قدرتی بزرگ و خطرناک در جهان وجود دارند، سهیج‌وحه نمی‌تواند با
انقلاب ایران و آماج‌های استقلال‌طلبانه، آزادخواهانه و عدالت‌جویانه‌اش
سازگار باشند.

ما می‌بینیم که اتحاد شوروی، پیش از ۶۴ سال که از انقلابش می‌گذرد و با آن
که امروز قدرت عظیم شکست‌ناپذیری را تشکیل می‌دهد، هم‌چنان آماج انواع
توطئه‌های حیائکارانه آمریکای جهان‌خوار است. خلق کره پیش از سی سال است
که در راه بازیابی وحدت سرزمین خود، برای بیرون‌کشدن بخش جنوبی سیهن
خود از چنگال خوین راهبران غاصب، علیه امپریالیسم آمریکا می‌جنگد. خلق
کوبا بیست سال است که با محاصره اقتصادی و دیگر توطئه‌های براندازی
امپریالیسم آمریکا در نبرد است. خلق ویتنام سی سال آرگار قهرمانانه رزمید تا
به استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی دست یافت و هنوز هم مدام، از شمال و
غرب و جنوب و شرق، آماج توطئه‌های آمریکا و خائسان حسنی و مزدوران آمریکا و
چین در کشورهای همسایه خوین است.

خلق آنگولا، که سی‌از قرن هائبرد و خون‌دادن به استقلال و آزادی رسید،
امروز دستخوش هجوم امپریالیسم آمریکا و برادربران آفریقای جنوبی است.
خلق‌های فلسطین، سوریه، لیبی، یمن، دموکراتیک، اتیوپی، افغانستان و هر
خلق دیگری در هر نقطه‌ای از جهان، که توانسته‌است استقلال خود را بدست
آورد و در راه تأمین آزادی و عدالت اجتماعی گام بردارد، هدف توطئه‌های
راهزنانه یان‌ناپذیر امپریالیسم آمریکا و دستیارانش قرار دارد. خلق فلسطین
با اسرائیل آمریکائی دست و پنجه نرم می‌کند، خلق صحرا با شاه حسن،
دست‌شاده دیگر آمریکا، و خلق نامی‌با با آفریقای جنوبی، دستیار امپریالیسم

جهانی ، در پیکار مرگ و زندگی است .

مبارزه با امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا ، دشمن شماره یک جامعه بشری ، مبارزه‌ای است طولانی ، و دشوار و بفرنج . ساده‌بینانه است اگر تصور شود که با پیروزی ما در این یا آن نبرد جداگانه ، مبارزه با امپریالیسم جهان‌خوار آمریکا ، پایان خواهد پذیرفت . این دشمن تاکنون توانسته‌است در کشورهای چون اندونزی ، شیلی ، مصر ، کنگو ، سودان ، پرتغال با کاربرد شیوه‌ها و وسایل گوناگون ، انقلاب‌های مردمی را با شکست روبرو سازد . تنها صف متحد خلق آگاه و آماده برای ایثار در مبارزه مرگ و زندگی است که می‌تواند انقلاب‌ها را از گردن این دشمن شریر جامعه انسانی مصون دارد .

تجربه انقلاب‌های شکست‌خورده گواه بر آن است که هرگونه تنگ‌نگری ، خودمحوری و انحصارطلبی در زمینه شرکت در نبرد میهنی علیه دشمنان استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، فاجعه‌انگیز است و برای نفاق‌افکنی ، برادرکشی و سرانجام شکست انقلاب مساعدترین محیط را پدید می‌آورد . در چنین محیط‌هایی است که دشمنان مکار و کارکشته انقلاب عمال خود را به آسانی جا می‌زنند ، با کمک آنها نهال‌های نفاق و چنددستگی را آبیاری می‌کنند و به صورت دشمن آغشی‌ناپذیر ، تا حد ایجاد برخوردهای خونین برادرکشی ، می‌رویانند .

مسافرت هیئتی از مسئولان بلندپایه جمهوری اسلامی ایران به کشور سوسیالیستی جمهوری دموکراتیک خلق کره و مذاکرات رئیس مجلس شورای اسلامی ایران با دبیرکل حزب کار کره و رهبر جمهوری دموکراتیک خلق کره ، مسافرت نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به جمهوری‌های الجزایر و لیبی ، مذاکرات وزیر امور خارجه ایران با رهبران کشورهای جبهه پایداری ، دیدار هیئت‌های دولتی جمهوری اسلامی ایران از جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگسلاوی ، شرکت هیئت پارلمانی ایران در کنفرانس هاوانا و دیدار با فیدل کاسترو دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست و رهبر جمهوری سوسیالیستی کوبا - همه گواه بر این واقعیت است که در جهان ما ، همه نیروهایی که در یک آماج اساسی و تعیین کننده ، یعنی در مبارزه علیه تسلط جابرانه امپریالیسم جهان‌خوار و ارتجاع سیاه جهانی به سرکردگی آمریکا ، یا یکدیگر شریکند ، صرف‌نظر از معتقدات مذهبی ، فلسفی و اجتماعی گوناگون خود ، جبهه جهانی مشترک عظیمی را علیه امپریالیسم و ارتجاع جهانی تشکیل می‌دهند .

باتوجه به این واقعیت ، این سؤال پیش می‌آید که : پس چرا نمی‌شود همان عاطفی را که کیم ای‌رسن و حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی را در یک جبهه علیه دشمن مشترک متحد می‌کند ، و یا حجت‌الاسلام دعائی را با فیدل کاسترو در عمده‌ترین مسائل مربوط به سرنوشت مبارزه خلق‌ها علیه امپریالیسم ، یعنی مسائل مربوط به استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ، به موافقت می‌رساند . در کشورمانیز به کارگرفته شود تا مبارزان بی‌روخط امام خمینی و توده‌ای و فدائیان (اکثریت) پشتیبان سنگمیری استقلال‌طلبانه و آزادخواهانه و عدالت‌جویانه

امام ، و سایر نیروهای وفادار به این آماجها ، در یک صف واحد متحد گردید .
به نظر حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ، این
عامل تاریخی جهانی ، یعنی ضرورت اتحاد همه نیروهای مبارز ضدامپریالیسم و
ضدبیدادگری درون یک کشور و سراسر جهان را می توان و باید در جامعه ما بکار
گرفت . سرخوش انقلاب ما به این امر بستگی دارد .
این آن حلقه اساسی در زحمر عوامل گوناگون است که ، با بدست گرفتن آن
می توان کلاف درهم پیچیده را گشود و کوتاه ترین ، درست ترین و کم رنج ترین راه
را برای جیره سدن بر دشواری ها یافت .
بی اعتنایی به این ضرورت تاریخی ، انقلاب ما را در سی راهها سرگردان
خواهد کرد .

برادران و خواهران همزم !

باشد ، همه ، نیروهای خود را برای تحقق اتحاد بزرگ تاریخی خویش به کار
گیریم . فراموش نکنیم که اتحاد ، برنده ترین سلاح ما در مبارزه دسمان
انقلاب است و درست به همین جهت نیز دشمنان انقلاب ما تمام
نیروی جهشی خود را برای جلوگیری از تحقق جنبش اتحادی
به کار انداخته اند .

بر ما است که گامی توطئه دشمنان انقلاب و شکوفایی جمهوری اسلامی ایران
را با ناکامی رو برو سازیم .

برقرار باد اتحاد بزرگ همه نیروهای مبارز راه استقلال ، آزادی و عدالت
اجتماعی !
پیروز باد انقلاب بزرگ ضد استبدادی ، ضد امپریالیستی و مردمی ایران !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کمیته مرکزی حزب توده ایران

آبان ۱۳۶۰

بها ۲۰ ریال